



نشانه

ویلیام ماریون برانهام

دالاس، تگزاس
۶۴-۰۳۰۸

نشانه

ویلیام ماریون برانهام
دالاس، تگزاس
۶۴-۰۳۰۸

The Token

William Marrion Branham
Dallas, Texas
64-0308



www.bargozidegan.net

۱. کلام را با هم می‌خوانیم. به این دلیل خواستم سرپا بایستید که... وقتی سرود پرچم پرستاره «سرود ملی آمریکا» نواخته می‌شود شما سرپا می‌ایستید. این‌طور نیست؟ [جماعت می‌گویند: "بله."] پس چرا برای کلام خدا سرپا نایستید؟ این یک احترام است. حال، کتاب خروج باب دوازدهم آیات ۱۲ و ۱۳. تمایل دارم تا بخشی از کلام را بخوانیم. آیات ۱۲ و ۱۳:

"^{۱۲} و در آن شب از زمین مصر عبور خواهیم کرد، و همه نخست زادگان زمین مصر را از انسان و بهایم خواهیم زد، و بر تمامی خدایان مصر داوری خواهیم کرد. من یهوه هستم.^{۱۳} و آن خون علامتی برای شما خواهد بود، بر خانه‌هایی که در آنها می‌باشید. و چون خون را بینم از شما خواهیم گذشت و هنگامی که مصر را می‌زنم، آن بلا برای هلاک شما بر شما نخواهد آمد."

۲. عنوان موضوع امشب هست «نشانه».

۳. در این لحظات مقدس و در آرامش او سرهایمان را برای دعا خم می‌کنیم. آیا خواسته‌ای دارید که بخواهید در این بعداز ظهر خدا به آن پاسخ بدهد؟ اگر هست فقط دست خود را بلند کنید و در قلب خویش به یاد بیاورید که از او چه خواسته‌ای دارید. هر جای این ساختمان که هستید، همین کار را انجام دهید.

۴. پدر آسمانی ما! تو خداوند تغییرناپذیر هستی، و امروز بعد از ظهر ما با دست‌هایی

برافراشته دعا می‌کنیم، تا به دعا‌های ما پاسخ بگویی. توجه کن که دست‌های من نیز به حضور تو بلند شده است و درخواست خود را اعلام می‌دارم، که خداوند! امروز تمام بیماران را شفا دهی و تمام گمگشتگان را نجات بخشی. تو گفتی: "هرآنچه به نام من از پدر در دعا بطلبید، برای شما کرده خواهد شد." اکنون، ای خداوند! امداد نما تا همه‌ی ما بعنوان بخشی از قوم و فرزندان ایمانی، ایمان داشته باشیم. ای خداوند! از طریق کلامت با ما سخن بگو. کلام تو راستی است. خداوند! قلب‌های ما را مبارک بساز.

۵. تو را برای این جلسه شکر می‌کنیم. خداوند! تو را برای تمام کارهایی که برای ما انجام داده‌ای شکر می‌کنیم. پدر! شاید بسیاری از ما که اینجا هستیم، دیگر هرگز یکدیگر در این جهان را ملاقات نکنیم، تا اینکه یکدیگر را در ملکوت تو ملاقات نماییم. شاید این آخرین جلسه‌ای باشد که در روی زمین با یکدیگر جمع می‌شویم. باشد تا روح‌القدس همه‌ی ما را مبارک ساخته و نیازهای ما را عطا کند. به نام عیسی دعا کردیم. آمین!

۶. اینجا یک دفتر کوچک پر از کاغذ یادداشت دارم، بخش‌هایی از کلام و چیزهای دیگری که نوشته‌ام. باید اینها را در ذهن خود داشته باشم ولی می‌دانید، به تازگی دومین بیست و پنج سال عمرم را پشت سر گذاشته‌ام به همین جهت آن‌طور که باید مطالب در ذهنم نمی‌ماند.

۷. موضوع امروز بعدازظهر ما «نشانه» است. صحنه‌ی ما از مصر آغاز می‌شود. این تصویر بزرگی است که می‌خواهم همه‌ی شما آن را برای خود تصور کنید. صحنه‌ی نمایش ما مصر، و زمان آن از آغاز خروج است.

۸. و حال، این به نوعی نمایانگر وضعیت امروز هم هست، که نمایش داده می‌شود. چون ما نیز در حال مواجه شدن با یک خروج هستیم. بیرون آوردن اسرائیل از مصر به سمت

سرزمین وعده توسط خدا، نمایانگر مسیح است که عروس را از کلیسا به سرزمین وعده بیرون می‌برد. ما در یک خروج دیگر هستیم. اگر کلام خدا را خوانده باشید... ما در اینجا فقط به بخش‌های برجسته‌ی آن می‌پردازیم. ما... همان‌طور که خدا امتی را از امتی خارج نمود، عروس را از کلیسا خارج خواهد ساخت. عروس از میان تمام کلیساهای خوانده خواهد شد. این برگزیده‌ی خدا خواهد بود که بیرون آورده خواهد شد و ما اینک در آستانه‌ی آن خروج قرار داریم، چون تمام شواهد روحانی را که اثبات می‌کند ما آنجا هستیم، در اختیار داریم. می‌دانم که این مطلب بارها گفته شده است. ولی دوست من! یک بار، برای آخرین بار بازگو خواهد شد، آن وقت، زمان در ابدیت محو خواهد شد. او در حال خارج کردن یک عروس از کلیسا است.

۹. آن علامت یا نشانه چیزی بود که اسرائیل و مصر را از یکدیگر متمایز می‌کرد، یعنی آن دو امت را. همه‌ی آنها از نوع بشر بودند. همه مخلوق خدا و صنعت دست او بودند، اما زمانی که فرشته‌ی مرگ از آنجا عبور می‌کرد، تفاوت بین موت و حیات یک نشانه بود.

۱۰. و در آن زمان پسر خدا هم چنین خواهد بود. زمانی که او عروس را از کلیسا خارج می‌کند، تفاوت، یک علامت خواهد بود. حال، امروز عصر خوب گوش کنید و ببینید که آیا این درست نیست؟ یک تفاوت باید باشد، و آن تفاوت، یک نشانه خواهد بود.

۱۱. خدا می‌خواهد یک روز جهان را داوری کند. اگر از افراد کاتولیک پیرسم خدا چگونه و با چه کسی جهان را داوری می‌کند؟ آنها می‌گویند: "کلیسا".

- "کدام کلیسا؟"

- "کلیسای کاتولیک."

- "کدام کلیسای کاتولیک؟"

چون تعداد آنها زیاد است. متدیست‌ها می‌گویند: "با کلیسای متدیست." آن وقت

باپتیست‌ها خارج از آن خواهند بود. پنطیکاستی‌ها می‌گویند: "با پنطیکاست." آن وقت بقیه بیرون خواهند ماند. می‌بینید؟ یک سردرگمی است، یک سردرگمی بسیار عظیم. فکر کردن به چنین چیزی باعث سردرگمی زیادی می‌شود.

۱۲. ولی خدا اینجا برای داوری راهی داشت، که گفت جهان را داوری می‌کند؛ که آن، نه با کلیسای کاتولیک است و نه با کلیسای پروتستان. بلکه او می‌خواهد جهان را با عیسی مسیح داوری کند و عیسی کلمه است. پس باز هم برمی‌گردد به کتاب مقدس. می‌بینید؟ او جهان را از طریق کتاب مقدس داوری خواهد نمود و کتاب مقدس کتاب داوری خداست، که مکاشفه‌ی کامل عیسی مسیح است، که نمی‌توان هیچ چیز دیگری به آن افزود و یا از آن کسر کرد. مجازات این کار این است که نام شما از دفتر حیات حذف خواهد شد. فقط در راستی کلام بمانیم و دعا کنیم که خدا ما را جزئی از آن بسازد.

۱۳. حال متوجه می‌شویم که یک نشانه، علامت چیست؟ علامت، نشانه‌ی این است که بهایی پرداخت شده است. درست مانند راه آهن و اتوبوس، ما پولمان را برمی‌داریم و به ایستگاه می‌رویم. می‌دانیم در جایی که ژتون استفاده می‌شود، اتوبوس‌ها مجاز به دریافت پول نیستند. آنها این «علامت» را می‌گیرند؛ هواپیماها، کشتی‌ها و خیلی جاهای دیگر. شما به یک جای معین می‌روید مثل گیشه‌ی خرید، آنجا پولتان را می‌دهید و این «نشانه» را خریداری می‌کنید و آن، نشانگر این است که کرایه‌ی شما پرداخت شده است. شما مجاز هستید که به کشتی، هواپیما، اتوبوس یا هرچه که باشد سوار شوید. مادامی که ژتون را داشته باشید نشان می‌دهد که کرایه‌ی شما پرداخت شده است. این را یادتان باشد. فراموش نکنید.

۱۴. ذبح بره‌ی اسرائیل... خواسته‌ی خدا بود. یهوه یک بره‌ی ذبح شده می‌خواست، یک جایگزین بی‌گناه. همان‌طور که از هفته‌ی گذشته تا بحال به آن پرداخته‌ایم، زمانی که

خدا چیزی را تعیین می کند و تصمیمی می گیرد، هرگز آن را تغییر نمی دهد. و او یک راه، مهیا نموده است. زمانی که انسان سقوط نمود، اولین کاری که او کرد مهیا نمودن راهی برای بازگشت بود. او می خواست که انسان را نجات دهد و تصمیم گرفت تا انسان را از طریق یک خون عاری از گناه نجات دهد. او همیشه این کار را کرده و آن را تغییر نداده است. خدا در هیچ مکانی با هیچ پرستنده ای ملاقات نمی کند، بلکه فقط تحت پوشش خون است که این امر میسر می گردد. این تنها مکان اوست.

۱۵. ما سعی می کنیم او را وادار سازیم تا با الهیات ما، فرقه هایمان و برنامه های آموزشی انسان را ملاقات کند، بعضی ها برج ها بنا کرده اند و برخی نیز شهرها، بابل، برج بابل و انواع چیزهای مختلف دیگر. ولی همچنان تحت پوشش خون است که خدا با پرستندگان خویش ملاقات می کند. او هرگز این را تغییر نمی دهد. همه ی ما نمی توانیم متدیست باشیم، همه ی ما نمی توانیم پنطیکاستی باشیم. نمی توانیم این، آن و یا چیز دیگری باشیم. ما ناسازگار خواهیم بود. اما وقتی پیش یک مرد می آیم، خواه کشیش کاتولیک باشد یا هر چیز دیگری، مادامی که زیر پوشش خون است، ما برادر هستیم. توجه داشته باشید که کجاست، مادامی که زیر پوشش خون باشد.

۱۶. حال، ذبح بره ی اسرائیل خواست یهوه بود، و خون، علامت این بود که این کار انجام شده است. خدا این را برای رهایی آنها از مصر به سمت سرزمین وعده می خواست. او یک حیوان ذبح شده می خواست و آن حیوان می بایست... خون آن حیوان می بایست بر سردر و دروازه ی خانه می بود و آن بعنوان علامتی بود که آنچه یهوه خواسته بود محقق گشته بود. می بینید؟ حال، آن بره علامت نبود، نشانه، خون آن بره بود. حیات از قربانی خارج شده بود و اکنون خون علامت بود. فرامین او انجام شده بود. خون علامت بود. نشانگر اینکه ایمانداران دقیقاً آنچه را که لازم بود، انجام داده بودند. آن علامت بود.

۱۷. اینجا آن مکان است، و پرستنده، چه نیاز بود؟ ذبح یک بره، در روز چهاردهم بعد

از گرفتن یک بره‌ی نرینه و بی‌عیب، تمام اسرائیل باید آن را ذبح کرده و خون آن را با زوفا بر سردر و دروازه‌ی خانه می‌زدند.

۱۸. و بهر حال، زوفا فقط یک گیاه معمولی بود. زوفا به معنی «ایمان شما» است. برخی تلاش می‌کنند که ایمانی ماوراءالطبیعه داشته باشند، به همین دلیل است که شما شفای خویش را از دست می‌دهید. ایمان تنها یک چیز عادی است. شما ایمان پیدا کرده‌اید که به کلیسا بیایید. ایمان یافته‌اید که بروید بیرون. ایمان یافته‌اید که ماشینتان را استارت بزنید. ایمان یافته‌اید که شامتان را میل کنید. این دقیقاً ایمان است، یک چیز عادی و معمولی. حال برای آغشته شدن به خون، باید آن را با زوفا آغشته می‌کردند که یک گیاه معمولی است و در هر نقطه‌ی از فلسطین می‌روید و نشانگر این است که ایمانی که آنها باید با آن خون را می‌پذیرفتند، نه یک ایمان ماوراءالطبیعه بلکه یک ایمان معمولی و عادی بوده است و شما برای داشتن این ایمان نیازی به داشتن مدرک دکتر یا چیزی مانند آن ندارید. این یک چیز عادی است، هر ایمانی، برای ایمان به خدا. می‌بینید؟ «استعمال خون» از طریق ایمان «با زوفا».

۱۹. حال، آن وقت پرستنده، زیر پوشش آن خون دیده شد و نشان داده شد که او خواسته‌ی یهوه را تحقق بخشیده است و در آنجا هویت یافت. آن علامت نشان داد که او با بره‌ی قربانی که یهوه خواسته بود، هویت یافته است. کار انجام شده بود. چه نماد کاملی از امروز، از مسیح و ایماندار. هنگامی که علامت به ایماندار نشان داده شده باشد، آن وقت آن نشان می‌دهد که پذیرفته شده است و کار انجام شده است.

۲۰. پس خون علامت شناسایی بود، خود خون. آن حیوان خوش ریخته شد، مُرد و خوش روی دیوار بود. حال، حیات حیوان در خون بود و حیات در خون است. ما این را می‌دانیم، کتاب مقدس چنین گفته است و علم این را اثبات می‌کند که حیات در خون است. پس زمانی که حیوان ذبح شد، حیات از حیوان جدا گشت، چون حیاتی که در

خون بود، نمی‌توانست بر ایماندار قرار بگیرد. زیرا این حیات یک حیوان بود.

۲۱. حیات حیوانی و حیات بشری کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند. به هیچ وجه شباهتی به یکدیگر ندارند. خون یک حیوان را بگیرید و به بدنتان وارد کنید، خواهید مرد. پس می‌بینید حیاتی که در خون حیوان است با حیاتی که در خون بشر است، تفاوت دارد؛ چون بشر روح دارد و حیوان فاقد روح است.

۲۲. بنابراین خود خون، اکنون درک می‌کنید، خود خون، آن مایع قرمز رنگ، خود خون باید بعنوان نشانه بر سردر خانه پاشیده می‌شد. بعنوان اینکه بره ذبح شده و مرده است، چون حیاتی که در خون بود، نمی‌توانست بر پرستنده قرار بگیرد. ولی امروز... این تنها یک نماد بود.

۲۳. امروز خون عیسی مسیح، بره‌ی ما. خون او نیست که علامت است، بلکه حیاتی که در او بود؛ یعنی روح‌القدس. این برمی‌گردد و نشانه‌ی این است که ما دقیقاً کاری را کرده‌ایم که خدا به ما گفته بود انجام دهیم. بعد با داشتن علامت، با قربانی خویش شناخته شده‌ایم. کاملاً. چیز دیگری را نمی‌بینم که بدین واضحی و آشکاری باشد. می‌بینید؟

۲۴. تنها راهی که هرکس می‌توانست بگوید آن خانه هم شامل عهد است، زیر پوشش خون بود، چون خون بر در قرار گرفته بود. آنها عبور می‌کردند و فرشته‌ی مرگ باید به خون نظر می‌کرد. حال باز هم این نمادی از روح‌القدس بود.

۲۵. می‌دانید، خون واقعی عیسی مسیح نمی‌توانست بر تک تک ما قرار بگیرد. زیرا او تنها مقداری خون در بدن خود داشت، که آن هم از بدن او بر روی زمین ریخته شد. دوهزار سال پیش، این برای آن نبود که نشانه باشد. حیات، حیاتی که در خون بود، نشانه بود. این را از طریق کتاب مقدس به شما اثبات خواهم نمود. این علامتی است که بر ما

قرار گرفت، تا نشان دهد که ما با قربانی خویش شناخته شده‌ایم، و خواست یهوه را محقق نموده‌ایم.

۲۶. در روز پنطیکاست پطرس گفت: "توبه کنید و هریک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آموزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه‌ی آنانی که دورند، یعنی هرکه خداوند خدای ما را بخواند."

۲۷. افکار زیادی هستند که مردم را می‌خوانند. ولی آنانی که «خداوند» ایشان را می‌خوانند! «آنانی که از پیش شناخت، فراخوانند! آنانی که خوانند، عادل ساخت! آنانی که عادل ساخت، جلال داد!» هم اینک این تعیین شده است.

۲۸. و بعد، وقتی شما کسی را می‌بینید که ایمان ندارد، روح القدس برای امروز است. می‌دانید آنها مشغول انجام چه کاری هستند؟ آنها نشانه‌ای را انکار می‌کنند که نشان دهنده‌ی متصل بودن شما به قربانی است. می‌دانید منظورم چیست؟ اگر به همان طریقی که خدا آن را مکتوب نموده به آن نگاه کنید، بسیار ساده است. خون ما را آورد به... که نماد روح القدس است که حیات است.

۲۹. حال، حیات حیوان نمی‌توانست بر انسان قرار گیرد، چون آنها مطابقت ندارند. حیات حیوان فاقد روح است و انسان دارای روح است. حیوان نمی‌داند که عریان است. او خوب و بد را تشخیص نمی‌دهد. او فقط... فقط جان دارد نه روح.

۳۰. حال نگاه کنید، اما هنگامی که حیات قربانی ما، عیسی مسیح، زمانی که خویش ریخته شد، او خدا بود که در انسان قرار گرفته بود. حال، او از یهوه بودن خویش پایین آمد تا خود را بعنوان یک بشر بشناساند، تا شکل یک انسان را بر خود بگیرد و بتواند ما را با خویش هويت بخشد. او بره‌ی خدا بود و در درون او جایی که خون...

۳۱. یک نفر را می‌شناسم که می‌گوید: "او از خون یهودی بود." این را از یهودیان زیادی می‌شنوید. او نه از خون یهودی بود و نه از خون امت‌ها. او خون خدا بود. او خدا بود. "اینک باکره آبستن شده..."

۳۲. حال، می‌دانم که بسیاری از شما و همین‌طور پروتستان‌ها تصور می‌کنید که تخمک از آن مریم بود. هموگلوبین که می‌آید، حیات به سلول خونی وارد می‌شود. چون یک مرغ می‌تواند به تنهایی و بدون حضور خروس تخم بگذارد ولی آن تخم ثمری نخواهد داشت، چون بارور نیست. حیات از رشته‌ی خونی که از جنس مذکر می‌آید، وارد می‌شود. ولی در این مورد جنس مذکری وجود نداشت. پس «حیات در خون» این باید تنها از خدا می‌آمد و او یک سلول خونی را در رحم مریم ایجاد نمود. خود خدا، خود خالق، یک سلول خونی را خلق کرد. حال نگاه کنید، آنها می‌گویند: "این بدن بود، مریم تخمک را داشت." خیر قربان! این گونه نبود. اگر این گونه بود، نمی‌توانید اسپرم را بدون رابطه حاصل کنید. و اگر او، اگر مریم یک رابطه داشته است، چه کاری را به خدا نسبت می‌دهید؟

۳۳. خدا هم یک تخمک و هم خون را خلق نمود، این دقیقاً چیزی است که بود. «ما خدا را لمس کردیم»، کتاب مقدس می‌گوید. اول تیموتائوس ۳: ۱۶: "و بالاجماع سرّ دینداری عظیم است، خدا در جسم آشکار گردید. او را با دستان خویش لمس نمودیم." آن بدن، خدا بود. قطعاً چنین بود. او تماماً خدا، بصورت یک شکل بشری بود.

۳۴. اکنون به این توجه می‌کنیم که، آن سلول خونی که تکثیر گشت، خدا را... "خدا در مسیح بود و جهان را با خویش مصالحه می‌داد."^۱ در جایی که هیچ کس دیگری نمی‌توانست این کار را بکند. هیچ کار دیگری نمی‌توانست صورت گیرد. خود او آن خون مقدس را برگرفت. خدا باید نزول می‌کرد و انسان می‌شد تا متحمل شریعت

خویش گردد. اگر عیسی فقط یک نبی بود، یک انسان منفک شده از خدا، پس این بی‌عدالتی خدا بود.

۳۵. اگر خدا بگوید: "باید برادر گرانت^۲ بخاطر گناهی که بیلی^۳ مرتکب آن شده است بمیرد، درحالی که بیلی باید بخاطر آن بمیرد." این بی‌عدالتی است. اگر من پسر خود را وادارم تا بخاطر مجازاتی که مربوط به من است بمیرد، بازهم عدالت نیست. تنها یک عدالت هست که می‌توانم انجام دهم. یعنی اگر می‌خواهم او را نجات دهم، جای او را بگیرم.

۳۶. و خدا باید جسم می‌شد. برای اینکه بتواند جای گناهکار را بگیرد، خدا در جسم آشکار گردید. هیچ چیز به جز خود خدا. حال او اینجا بود، آشکار شده در جسم، تا گناهان جهان را بردارد. او خود را در ما آشکار نمود، تا بتوانیم در او هویت یابیم. هدف آن را می‌دانید؟

۳۷. حالا متوجه هویت یافتن با قربانی خود می‌شویم. حیات قربانی در ما، که روح‌القدس است. زمانی که آن سلول تکثیر گشت، او به خون خود قومی را برای خویش تقدیس نمود و دوباره خدا را در انسان قرار داد. خدا در شما، حیات ابدی!

۳۸. هر محقق یونانی می‌داند که آن کلمه، یعنی حیات ابدی، از ریشه‌ی کلمه‌ی «ژئو»^۴ می‌آید که به معنی «حیات خود خدا» می‌باشد. درست است. تنها راهی که می‌توانید حیات داشته باشید. تنها یک حیات است که حیات ابدی است و آن، حیات خود خدا، در شماست. می‌بینید؟ ما صفاتی از افکار او هستیم، پیش از آنکه حتی بنیان عالم یا هر چیز دیگری گذاشته شده باشد. تمام این از فکر اوست و ما نمایش افکار او و اینکه او چیست، هستیم.

^۲ Grant
^۳ بیلی یا بیل - مخفف نام ویلیام در زبان انگلیسی
 ZOE, z - o - E

۳۹. او برای برداشتن گناه باید پایین می‌آمد. هیچ کس دیگری قادر به انجام این کار نبود. بعد زمانی که آن حیات از آن بدن رها گشت، آن انسان که پسر خدا بود، قدرت خلاق او، یک بنا را ساخت، بنایی را ساخت که به آن وارد شود. خدا این کار را کرد.

۴۰. و بعد زمانی که حیات گرفته شد، خون بر روی زمین ریخته شد. درست به همان صورتی که خون هابیل روی زمین ریخته شد. ولی از آن خون روح قدوس خدا برآمد و در روز پنطیکاست بر انسان فرستاده شد، تا با قربانی‌ای که برای آنها مُرد، هویت یابند. در دنیا هیچ راه دیگری وجود ندارد، که به آن برسیم. یک علامت معین!

۴۱. ببینید، اگر شما محکوم به مرگ بودید و قرار است که با صندلی الکتریکی کشته شوید، یادتان باشد...

۴۲. دالاس! گوش کن! انکار خون عیسی مسیح، علامت خون، اگر آن را ببینید و رد کنید، باید با خون او که بر دستان شماس، با داوری روبرو شوید. ای گناهکار عضو کلیسا! این را یادت باشد.

۴۳. چه می‌شد اگر لی اُزوالد^۵ می‌توانست در برابر دادگاه عالی بخاطر قتل رئیس جمهور بایستد و با آن روبرو شود، درحالی که می‌دانست ذره‌ای ترحم در کار نخواهد بود. آن مرد چه احساسی می‌توانست داشته باشد! این باید یک چیز مهیب بوده باشد. او هرگز مجبور نشد که این کار را بکند. چون دوست دیگرش او را با تیر زد. ولی تصور نشستن در برابر یک دادگاه عالی خشمگین، با خون کسی که بر دست توست، یعنی رئیس جمهور ایالات متحده! این فقط یک مقیاس بسیار کوچک‌تر از زمانی است که، شما مردم که از خون عیسی مسیح گذشته‌اید، باید در برابر دادگاه خدا بایستید. با اُزوالد کار دیگری نمی‌توانستند انجام دهند، جز اینکه جانش را بگیرند. ولی خدا برای ابد شما را از حضور

خود خارج خواهد ساخت. توجه داشته باشید، این امری هولناک خواهد بود.

۴۴. اگر درحالی که گناهکارید، مجبور بودید در دادگاه حاضر شوید، مطمئناً به دنبال بهترین وکیل مدافع بودید. هر کسی این کار را می‌کرد.

۴۵. و هر انسانی که در جهان متولد می‌شود، مهم نیست که از کدام خانه‌ی زیبا و خوب خارج می‌شود، تا زمانی که بخشش در خون عیسی مسیح را نپذیرد، نسبت به آن خون گناهکار است. تنها راهی که می‌توانید بدانید آن بخشش درست است، زمانی است که آن نشانه خود را بر شما قرار می‌دهد و شما آن نشان را دارید.

۴۶. توجه کنید، شما گناهکارید و بهترین وکیل مدافعی را که بتواند از پرونده‌ی شما دفاع کند، پیدا می‌کنید. اگر قرار باشد به دادگاه داوری خدا بروم، هیچ انسان و یا هیچ کشیشی را احتیاج ندارم، بلکه بهترین وکیل مدافعی را می‌خواهم که بتواند از پرونده‌ی من دفاع کند.

۴۷. دوستان مسیحی من! بگذارید این گونه به شما بگویم، وکیل مدافع ما در عین حال همان داور ماست، و داور ما وکیل مدافع ما شده است. زمانی که مغفرت او را می‌پذیریم، پرونده مشخص شده است. خود داور پایین آمده و وکیل مدافع ما شده است. داور و وکیل مدافع، یکی هستند.

۴۸. روح‌القدس نشانه‌ی این ست که ما آمرزیده شده‌ایم. پرونده مختومه است. هر مرد و زنی که حقیقتاً تعمید روح‌القدس را یافته باشد، آزموده شده و با وکیل مدافع خود، با داور خود، با قربانی خویش هويت یافته است و علامتی که در تصرف خود دارد، نشان می‌دهد که بهای سفر او به سمت جلال پرداخت شده است. آمین! تمام است. او آن علامت را دارد. این از آن اوست، تعمید روح‌القدس، که بر قیامت عیسی شهادت می‌دهد.

آمین! شما به این ایمان دارید؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] این هویت شماست. شما نشانه را دارید.

۴۹. حال، اگر آن علامت را بدست نیاورده باشید، وارد نخواهید شد. باید نشانه را داشته باشید. این بهای مورد نیاز است. "زمانی که خون را ببینم، خون علامت است، هنگامی که خون را ببینم از شما عبور خواهم کرد"^۶ باید نشانه را داشته باشید. چرا که اگر نداشته باشید، نخواهید رفت. باید نشانه را داشته باشید.

۵۰. اگر علامت، نشان داده نشده بود، اگر علامت آشکار نشده بود، حتی عهد تأثیری نداشت. شما می گویند: "صبر کن برادر برانهام." درست است. کاملاً درست است.

۵۱. خون فراتر از عهد بود. چرا که اسرائیل عهد ختنه را داشت و هر یهودی می توانست برود و این را به هر کسی نشان بدهد "می توانم اثبات کنم که ختنه شده ام. من یک یهودی هستم. بر طبق فرمان یهوه ختنه گشته ام." ولی در عین حال اگر نشانه نیز آنجا نبود، این نمی توانست او را جدا سازد. متوجه می شوید؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] او... به هر حال نشانه باید آنجا می بود. اگر شما نیز در عهد هستید... اگر هر یهودی می گفت: "من نمی خواهم خونی بر دروازه ی خود بپاشم. می توانم اثبات کنم که من یک یهودی در عهد هستم." فرشته ی مرگ او را می زد. مهم نبود که او چقدر صادق بود، چه عضو کلیسایی خوبی بود، چقدر ده یک می داد، چطور به یهوه ایمان داشت. یهوه آن نشانه را می خواست.

۵۲. و او امروز هم این کار را انجام می دهد. باید چنین باشد. "زیرا نه راهی دیگر زیر آسمان داده شده است و نه نامی دیگر"^۷ چقدر خوب و یا چقدر صادق بودن مهم نیست. نشانه باید آنجا بوده و نشان داده شود.

^۶ اشاره به خروج باب ۱۲
^۷ اشاره به اعمال رسولان ۱۲:۱۴

۵۳. «خون»، شما می‌گویید: "خوب، من یک بره را ذبح کردم و آن را آنجا گذاشتم." این چیزی نیست که او گفت. این خون باید بر سردر و دروازه‌ی ورودی باشد. این باید نشان داده شود.

۵۴. و حیات شما باید نشان دهد که آن نشانه در شما است. آه! چه بر سر شما پنطیکاستی‌ها آمده است؟ موهای کوتاه شده، صورت‌های آرایش شده، و مردان، جوک‌های غیر اخلاقی و چیزهای دیگر. نشانه‌ی خون خداوند من، عیسی مسیح کجاست که نشانه‌ی روح‌القدس باشد؟ شما صورت دینداری دارید و «افسونگری» و چیزهای دیگر را عمل خدا می‌دانید. چطور نشانه را ظاهر می‌سازید؟

۵۵. می‌گویند: "من پنط... اهمیت نمی‌دهم که چه هستید." من باپتیست هستم. من پرزبی... "اهمیتی نمی‌دهم که چه هستید. آن نشانه باید آنجا باشد. خدا آن را می‌خواهد، هیچ چیز دیگر به جز آن.

۵۶. می‌گویید: "خوب، من دکتر دارم." اهمیت نمی‌دهم که چه مدارکی را کسب کرده‌اید و یا چند مدرک دارید. خدا آن نشانه را می‌خواهد و تنها همان نشانه را. این نشان دهنده‌ی آن است که بهای شما پرداخت شده است. او نمی‌خواهد استوارنامه و یا هر چیز دیگران را بگیرد. او باید آن نشانه را داشته باشد.

۵۷. راننده‌ی اتوبوس می‌گوید: "هی، یک دقیقه صبر کن، این ژتون مربوط به من نیست."

۵۸. متصدی هواپیما می‌گوید: "خوب، همین الان از آنجا خارج شو." بلیط یک نشانه است. بروید به خلبان بگویید: "می‌دانی، می‌خواهم سوار هواپیمای شما شوم. قیمت آن چند است؟"

- "بروید و بلیط تهیه کنید."

- "اوه! من به شما وجه نقد پرداخت می‌کنم."

۵۹. - "نمی‌توانم بپذیرم. تا وقتی که بهای آن را نپردازید و نشانه را دریافت نکنید، نمی‌توانید سوار این هواپیما شوید. من بدنبال نشانه هستم."

۶۰. برایم مهم نیست که چه کاری انجام داده‌اید، باید آن نشانه را داشته باشید، وگرنه نمی‌توانید سوار شوید. آمین و آمین! نمی‌توانید این را درک کنید؟ خدا آن نشانه را می‌خواهد. "وقتی خون را ببینم، و تنها زمانی از شما عبور می‌کنم که نشانه را ببینم."

۶۱. آن خون اگر ظاهر نمی‌شد، حتی عهد هم تأثیری نداشت. بالطبع یک یهودی می‌توانست خود را بعنوان اینکه یهودی ختنه شده است، اثبات نماید. او می‌توانست یکی از برادران را ببرد بیرون و بگوید: "اینجا را ببین، من ختنه شده‌ام." این هیچ مفهومی نداشت.

۶۲. می‌گویید: "من متدیست هستم. من باپتیست هستم. من پنطیکاستی هستم. من این هستم، من آن هستم." این فاقد هرگونه ارزش و مفهومی است.

۶۳. شما باید یک نشانه داشته باشید. هنگامی که آن نشانه می‌آید بر مسیح شهادت می‌دهد. او گفت که این‌گونه خواهد بود، و مسیح کلمه است. چطور می‌توانید راستی کتاب مقدس را انکار کنید، بخشی از آن را، و همچنان بگویید که نشانه را دارید، درحالی که آن نشانه، شهادت بر عیسی مسیح است؟ می‌بینید؟ این چیزی است که می‌خواهم بدانم.

۶۴. می‌گویید: "اوه! من ایمان ندارم. ایمان دارم که دوران معجزات... "اوه! مراقب باش! هیچ نشانه‌ای آنجا وجود ندارد. نشانه، هر کلامی را با آمین پاسخ می‌گوید. همه چیز را. زیرا آن خود خداست. می‌بینید؟ بسیار خوب.

۶۵. اما اگر نشانه آنجا نبود، عهد تأثیری نداشت. آن عهد باطل بود و اکنون هم همان است. مهم نیست که چقدر می‌گویید: "من به هر کلام کتاب مقدس ایمان دارم." یا بگویید: "برادر برانهام! می‌توانم نصف آن کتاب مقدس را برایت بازگو کنم. تمام کتاب مقدس را، من آن را از حفظ می‌گویم. به هر کلام آن ایمان دارم." این خوب است. البته شیطان هم همین کار را می‌کند.

۶۶. "خوب، برادر برانهام! دیوار خانه‌ی من پر شده است از مدارک گوناگون. من فوق لیسانس دارم. یک مدرک دکترا دارم. مدرک لاتین دارم. و اوه، راستی! کتاب هم نوشته‌ام. این کار را کرده‌ام. همه‌ی این کارها را انجام داده‌ام." اهمیتی نمی‌دهم. اینها خوب هستند، ولی همچنان باید آن نشانه را داشته باشید. نشانه، هنوز هم نشانه است، که مورد نیاز است.

۶۷. می‌گویید: "من محقق کتاب مقدس هستم. من، من آدم خوبی هستم. من این هستم. من آن هستم." این شاید خوب باشد. یعنی همه‌ی اینها خوب هستند. ولی هنوز باید آن نشانه را داشته باشید.

۶۸. حال، مرگ آماده بود تا در هر لحظه، مصر را بزند. و الآن هم آماده است تا در هر لحظه، کشور را بزند.

۶۹. آنجین!^۸ امروز احساسی شبیه پدرت را دارم، یک‌بار او یک نظر خیلی مهمی داد. همیشه آن را دوست داشتم. او می‌گفت: "می‌دانی، با این وضعیت گناه‌آلود که این کشور دارد، اگر خدا بگذارد آمریکا با تمام این احوال به پیش برود، اخلاقاً ملزم است سدوم و غموره را برخیزاند و بابت اینکه آنها را در آتش سوزانده، از آنها عذرخواهی کند." و این عین حقیقت است.

۷۰. یادتان باشد. اسرائیل تاوان هر گناهی را که مرتکب شد، پرداخت نمود. ما نیز چنین خواهیم بود. داریم به چه بی بندوباری می‌رسیم؟ زره را محکم دربر کنیم. ای کلیسا! به سمت خدا بازگرد. اینها را به این جهت نمی‌گویم که برتر و یا متمایز باشیم. این را بعنوان یک هشدار به شما می‌گویم. ایمان داشته باشید.

۷۱. مرگ آماده‌ی هجوم بود. خدا فیض و رحمت خویش را از طریق قوات و آیات و معجزات به آنها نشان داده بود و امروز هم قبل از بردن کلیسا چنین می‌کند. اما آنها همچنان حاضر به توبه و پذیرفتن پیغام نبودند.

۷۲. می‌بینید، درست قبل از خارج کردن آن کلیسا یک پیغام وجود داشت. همیشه باید چنین باشد. الآن هم همین‌طور. هر رویداد روحانی، یک نشانه از خداست. آیا به این ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] مثل پیغام، یک نشانه وجود دارد و پیغام، آن نشان را دنبال می‌کند. خدا به موسی گفت: "اگر آنها ندای اولین نشانه را گوش نگیرند، شاید به ندای دومین نشانه گوش دهند."

۷۳. حال، وقتی می‌بینید که این آیات پیش می‌روند و پشت آن پیغامی نیست، درست مانند این مدارس الهیات، آن از جانب خدا نبوده است. مگر آنکه، جایی که یک نشانه ظاهر می‌شود، یک پیغام آن را دنبال کند. حال نگاه کنید. عیسی به روی صحنه...

۷۴. صدا اذیتان می‌کند؟ هرکس پشت این میکروفون قرار می‌گیرد به نظر می‌رسد صدایش انعکاس دارد. می‌خواهم این را متوجه شوید.

۷۵. وقتی عیسی به روی صحنه آمد، هرگز چیز زیادی به قوم نگفت. همه می‌خواستند که او در کلیسایشان باشد. "اوه! این نبی جوان. از اینکه او در بین ماست، خوشحالیم." او داشت بیماران را شفا می‌داد. "اوه، جلال بر خدا! خدا در میان ما یک مرد بزرگ را بلند کرده است." آن خوب بود. بعد یک روز به جایی رسید که... این نشان او بود.

۷۶. اشعیا باب ۳۵ می‌گوید که این یک نشانه خواهد بود: "لنگان مثل غزال جست و خیز خواهند نمود و زبان گنگ خواهد سرایید." "... و کوران بینا خواهند شد." این یک نشانه بود.

۷۷. او بعنوان ماشیح آیت خویش را ظاهر نمود. بسیاری از آنها می‌گفتند: "می‌توانم آن را بپذیرم." خوب حالا، اگر آن یک آیت بود، باید یک صدا برای آن وجود می‌داشت. چه صدایی پشت آن بود؟ زمانی که شروع به تعلیم آموزی خویش نمود و آنها را مشتی افعی در علفزار خواند، از آن لحظه به بعد، دیگر محبوبیتی نداشت. می‌بینید؟ زمانی که صدا با نشانه همراه شد. ابتدا نشانه رفت.

۷۸. موسی با یک نشان به مصر رفت. او عصای خویش را انداخت و آن را به مار تبدیل نمود. آن یک نشانه بود. ولی بعد از مدتی صدا با نشانه همراه شد. آن وقت این فرق می‌کرد. می‌بینید، آنها این را نمی‌خواهند. صدا، صدا باید باشد. باید نشان و آیت را دنبال کند و این در هیچ زمان دیگری ممکن نبود، به جز آن زمان. زیرا آن، زمانی بود که می‌بایست کتب تحقق می‌یافت. ببینید که خدا در بوتی آتش به او چه گفت: "هرآینه مصیبت قوم خود را که در مصرند دیدم، و استغاثی ایشان را از دست سرکاران ایشان شنیدم و وعده‌ی خود به ابراهیم را به یاد آوردم." چهارصد سال گذشته بود و او به ابراهیم گفته بود که آنها آنجا خواهند بود. می‌بینید، این در هیچ زمان دیگری نمی‌توانست باشد. موسی می‌بایست درست در همان زمان می‌آمد.

۷۹. ساعت عظیم خدا بی‌عیب حرکت می‌کند. یک دقیقه سریع‌تر و یا کندتر حرکت نمی‌کند. دقیقاً سر وقت خواهد بود. خوب، می‌بینید، همه چیز داشت سروقت انجام می‌شد. در هیچ ساعت دیگری نمی‌توانست انجام پذیرد.

۸۰. این چیزها هم نمی‌توانست در زمان دیگری باشد. این نمی‌توانست در ایام لوتر^۹ باشد. نمی‌توانست در دوران وسلی^{۱۰} باشد. در دوران متدیست‌ها و بپتیست‌ها، این نمی‌توانست در دوران آنها باشد. باید اکنون می‌آمد. اسرائیل باید یک کشور باشد. کلیساها باید در شرایطی مانند اکنون باشند. باید یک پیغام سوم می‌بود. یک دوره‌ی سوم کلیسا. باید یک لائودیکیه می‌بود. این نمی‌توانست تا زمانی که پنطیکاست بیاید و آن کهنگی را از میان بردارد، خارج شود و آنچه را که انجام دادند، انجام دهند و شکل بگیرد. آن وقت است که باید بیاید. سپس خداوند می‌آید، زمانی که آنها او را بیرون از کلیسا می‌گذارند. او کلام است.

۸۱. آنها از مواجهه با آن کلام در هر مکانی هراسان هستند. به طرز شدیدی از آن کناره می‌گیرند و در مورد آن نزاع ایجاد می‌کنند.

۸۲. همین چند وقت پیش اینجا در شیکاگو، خدا یک رویا به من داد. در آنجا سیصد خادم حضور داشتند. گفتم: "حال می‌دانم که شما... در مورد ذریت مار و این چیزها..." گفتم: "یک نفر از شما کتاب مقدس خود را بردارد، بیاید کنار من بایستد و خلاف آن را اثبات کند." تا آن لحظه از عمرم چنان سکوتی در جمعیت ندیده بودم. بعد گفتم: "پس دست از پشت سرگویی بردارید." می‌دانید، این با تفکرات دانشگاهی آنها منافات داشت.

۸۳. درعین حال آنها می‌گویند: "برادر برانهام! زمانی که مسح بر او باشد یک نبی است، اما زمانی که مسح از او برداشته شده باشد، او! نمی‌دانم..." چه... اگر این علامت یک الهیات مشوش شده باشد...

۸۴. کلمه‌ی نبی یعنی "آشکار کننده‌ی کلام"، کلام خدا بر انبیا می‌آید. این همان

صورتی است که عیسی آشکار گردید. بعد از رستاخیز او آنها می گفتند: "می دانیم که او یک نبی بود چون هیچ انسانی نمی توانست این کارها را انجام دهد، مگر اینکه خدا با او باشد." آن وقت قادر به پذیرش پیغام او نبودند. آنها نمی توانستند یوحنا را تعمید دهنده را بپذیرند، و او یک نبی بود. نمی توانستند ایلیا را بپذیرند، و هیچ یک از انبیای دیگر را، در حالی که آنها مکاشفه‌ی الهی را داشتند.

۸۵. کلمه‌ی انگلیسی نبی،^{۱۱} کلمات انگلیسی می توانند چندین معنا داشته باشند و این کلمه به معنی «واعظ» است. اما هنگامی که شما به کتاب مقدس‌های قدیمی مراجعه می کنید همین کلمه‌ی نبی به معنی «پیغمبر، پیش بیننده»^{۱۲} می باشد. اعتبار او این بود که هر آنچه می گفت واقع می شد و این نشان آن بود که او یک نبی است. همچنین نشان این بود که او یک مکاشفه‌ی الهی از کلام مکتوب دارد. سپس خدا با تأیید خود پشت سر آن، این را اثبات می نمود.

۸۶. چطور؟ خوب، این باید این گونه باشد، همین. هیچ راهی برای گذر از آن وجود ندارد. خدا گفته است که این گونه خواهد بود. اما امروز، می دانید، آن نشانه باید آنجا باشد. آن نشانه به آن کلام هویت می بخشد و آن را دقیقاً درست می سازد. سپس چگونگی وعده‌ی او، اینکه او چطور تمام قوم سرزمین وعده را مهیا نموده است. زمانی که می خواست این خروج را داشته باشد، که یک نماد بود.

۸۷. حال می خواهم تلاش کنم تا ظرف پانزده تا بیست دقیقه‌ی آینده پیغام را به آخر برسانم. خوب گوش کنید. چون می خواهم این را خوب درک کنید، برای اینکه شاید دیگر نتوانم شما را ببینم.

توجه کنید، حالا ببینید که قوم خویش را چطور مهیا کرد.

۸۸. چند نفر می‌دانند که او هرگز راه‌های خویش را تغییر نمی‌دهد؟ هرگز این کار را نمی‌کند. [جماعت می‌گویند: "آمین!"] او... حالا تمام کتاب مقدس را که نگاه کنید، می‌بینید که او یک‌بار هم آن را تغییر نداده است.

۸۹. او چگونه قوم خود را مهیا نمود؟ ابتدا او یک نبی را با یک نشانه فرستاد، که موسی بود. درست است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] و آن نشان یک پیغام داشت، پیغامی برای «آماده شدن». آنها داشتند از آنجا خارج می‌شدند تا به سرزمینی که وعده داده شده بود، وارد شوند. سپس او برای نبی خود یک هویت و یک مشخصه داشت، یک نور بالای سر او. یک ستون آتش که نبی را دنبال می‌کرد. این را می‌دانیم. در بیابان همراه موسی بود.

سپس برای اطمینان اینکه آنها هراسان و پریشان نباشند یک نشانه به آنها داد و گفت: "چون آن علامت را بینم از شما عبور خواهم نمود."

۹۰. حالا ببینید که او چگونه عمل کرد. او ابتدا یک نشان را مهیا نمود. یک رسول پیغام را شناساند و هویت بخشید. هویتی از آن پیغام آور، یک علامت برای اطمینان از اینکه، بها پرداخت شده است. آنها در حال حرکت به سرزمین وعده هستند.

۹۱. امروز هم او همان کار را انجام داده است. چه کار کرده است؟ روح القدس را برای ما فرستاده است، و هویت کتاب مقدسی او، او را در بین ما معین می‌سازد. او دیروز، امروز و تا ابد الابد همان است. و علامت نشانه‌ی تضمین است. ما از چه می‌ترسیم؟ بهای ما قبلاً پرداخت شده و ما با قربانی خود هویت یافته‌ایم. او نمی‌تواند شما را رد کند. او وعده‌ی این را داده است. ما هویت یافته‌ایم.

۹۲. همان‌طور که گفتم، خروج اسرائیل از مصر مانند خروج عروس از کلیسا است. زمانی که موسی خدمت خود را آغاز نمود، تمام اسرائیل برای دعا و پرستش در جوشن

جمع شدند. از تمام نقاط مصر آمدند. این همان کاری است عروس خواهد نمود، عروس از بین یگانه‌انگاران، تلیثیون، و از بین تمام آنها می‌آید. او خارج خواهد شد. باید چنین کند. حال این را در عبرانیان می‌خوانیم... حالا ما، اولین چیزی که باید به فکر آن باشیم، آمدن از تمام بخش‌هاست. "از میان بی‌ایمانی خارج شوید." روح‌القدس وعده داده است که در ایام آخر این را ندا کند. "از بین بی‌ایمانی خارج شوید." توجه داشته باشید.

۹۳. ما در عبرانیان ۱۰:۲۶ این را می‌بینیم، اینجا این را نوشته‌ام، این را می‌گوید: "زیرا که بعد از پذیرفتن معرفت راستی اگر عمداً گناهکار شویم، دیگر قربانی گناهان باقی نیست." می‌بینید؟ اگر عمداً گناهکار شوید.

۹۴. حال، اگر به آن چیزی که می‌گویم توجه داشته باشید، یک دقیقه تأمل کنید، تا آن را برای شما مجسم کنم. این را در روح احساس می‌کنم که، درست به آنجا نرسیدیم. متوجه هستید؟ پس توجه کنید.

۹۵. اینجا عبرانیان را داریم که در راه خروج از مصر هستند. خدا دوازده مرد را برگزید، یا موسی آنها را برگزید، البته به دست خدا، تا بروند و زمین را جاسوسی نموده و برگردند و از آن زمین یک نشانه بیاورند. هنگامی که آنها به آنجا رسیدند، ده نفر از آنها از مرگ هراسان گشتند. آنها می‌گفتند: "زیرا عمالقه آنجا هستند و ما در نظر آنها مانند ملخ هستیم." اما یوشع و کالیب بازگشته و باخود گواه آورده بودند. "ما قادر به انجام آن هستیم!"

۹۶. می‌دانید، اینها ایمانداران حد و مرزدار هستند. آنها از بین تمام این عناصر می‌آیند، به کلیسا می‌پیوندند، تعمید می‌گیرند و... اما درست زمانی که وقت حرکت و بدست آوردن آن نشانه می‌شود، گواهی که سرزمین آنجاست، آن حیات... عیسی مسیح نمرده

است، این می‌شود یک بُعد دیگر. او در این زندگی می‌کند. او با ما و در ما است. وقتی به اینجا می‌رسد «آه» آنها نمی‌توانند ایمان بیاورند. این چیز زیادی است. می‌بینید. آنها بازگشته و همه ایشان در بیابان مردند، حتی یکی از ایشان به سرزمین وعده وارد نشد. می‌دانید که اگر ما هم بی‌ایمان باشیم، ما متدیست‌ها، باپتیست‌ها، پرزبیتری‌ها...

۹۷. امیدوارم که معلم من اینجا نشسته باشد، دکتر روی. ای. دیویس^{۱۳} بسیاری از شما او را می‌شناسید. همینجا در فورت ورث^{۱۴} شاید اکنون اینجا نشسته باشد. یادم می‌آید که سال‌های خیلی خیلی دور، در این مورد با هم بحث کرده بودیم. او مرا در ایمان تعمید داده بود، یک کلیسای میسیونری باپتیست.

۹۸. نگاه کنید، حال اگر ما... اگر ما به مرز آن سرزمین برسیم، بگوییم: "خوب، جلال بر خدا! من به زبان‌ها صحبت کرده‌ام. هلولیاه!" این کافی نیست، اگر بگویید... به هر کلمه از آن کلام بی‌ایمان باشید، یک جای کار تجربه‌ی شما ایراد دارد. متوجه هستید؟

۹۹. شما درست به سمت آن سرزمین می‌آید و می‌بینید که آنجاست. می‌بینید که عیسی قیام کرده است. او در میان ماست. کلام را می‌شنوید که پیغام را دنبال می‌کند و همچنان به آن ایمان نمی‌آورید. می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟ آن وقت تمام آنها همانجا در بیابان مردند. "زیرا که بعد از پذیرفتن معرفت راستی اگر عمداً گناهکار شویم، دیگر قربانی گناهان باقی نیست." ^{۱۵} این چیزی است که کتاب عبرانیان به ما می‌گوید.

۱۰۰. حال نگاه کنید، همان‌طور که ما این نشانه‌های عظیم زمان آخری را در زمین می‌بینیم که او وعده‌ی آن را داده بود، چقدر به ما هشدار می‌دهد که زمان نزدیک است! بی‌ایمانی مطلق. ما باید یکدیگر را محبت کنیم، باور داشته باشیم و خود را از جهان جدا سازیم.

۱۰۱. توجه کنید، آنها با هم جمع نمی‌شدند که فقط در مورد پیغام صحبت کنند. آنها باید تحت پوشش خون به آن وعده وارد می‌شدند، نه اینکه بیاند بگویند: "می‌دانی! موسی پیغام آور به ما گفت که باید خون را داشته باشیم. بچه‌ها نظر شما در این مورد چیست؟" این‌گونه نبود، بلکه بره را ذبح کرده و خون را آنجا قرار دهید.

۱۰۲. می‌توانیم بیاییم بنشینیم و با کلام موافق باشیم، ولی آن علامت را نداشته باشیم. آن وقت این چه فایده‌ای برای ما دارد؟ بی‌فایده است. بروید زیر پوشش خون. او در برابر هیچ کسی که زیر پوشش خون نبود مسئول نبود، و امروز هم در برابر کسی که خارج از آن نشانه باشد، مسئولیتی ندارد.

۱۰۳. تمام خانواده، تنها زمانی در امان بودند که تحت پوشش آن نشانه بودند و آن نشانه ظاهر گشته بود. تمام خانواده، به این ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] ما امروز باید آن را بخاطر داشته باشیم.

۱۰۴. این مزخرفاتی که نسل جوان ما آن را دارند، مانند راک اند رول، بیتل‌ها و این چیزهایی که با آن روبرو هستیم، آیا می‌دانستید که تمام اینها در کتاب مقدس نشان داده شده است؟ کتاب مکاشفه این را می‌گوید. اینکه مردم چطور... چطور... آنها... آنها... آنها مرده‌اند. آنها نمی‌توانند بلند شوند. آنها هرگز ابدی نبوده‌اند. آنها حتی به این که هلاک خواهند شد فکر هم نمی‌کردند. آنها برای همیشه مرده‌اند، کاملاً نابود شده‌اند. آنها بخاطر آنچه انجام داده‌اند، تا به ابد مجازات خواهند شد. ولی هر آنچه آغاز داشته باشد، یک پایان هم دارد.

۱۰۵. این اوست که نه ابتدا دارد و نه انتها. تنها یکی هست که حیات ابدی است. یک نفر دارای حیات ابدی، و ما در تلاش برای آن هستیم.

۱۰۶. یوشع باب دوم، آن فاحشه‌ی ایماندار که از بین امتهای بود این را شنیده بود و

خانواده‌اش را زیر پوشش آن ریسمان سرخ آورد، که علامت فرستاده‌ی یوشع بود. فرشته‌ی نابودی خدا به آن علامت احترام گذاشت، تنها به آن علامت در شهر. خواسته‌ی خدا آنجا بود، توسط خادم او، که خدا این علامت را می‌خواهد و طناب، همان علامت بود. اهمیتی نمی‌دهم که این شهردار شهر بود یا اینکه مقدس‌ترین مرد آنجا، یا اینکه آنها به بزرگ‌ترین کلیسای شهر می‌رفتند. در آن شهر همه چیز سقوط کرد، بجز آن خانه. خدا تنها آن علامت را محترم شمرد.

۱۰۷. توجه کنید، اریحا شنیده بود که خدا چه کرده است و اعمال عظیم بجا آورده است، ولی به این هشدارها توجه نمی‌کرد.

۱۰۸. مردم این دوران هم همین‌گونه هستند. آنها می‌شنوند که در این چند سال خدا در حال انجام چه کاری بوده است، ولی به آن توجهی نخواهند کرد. این قوت فیض عظیم و آیات و نشانه‌ها، درست همان‌طور که وعده داده بود. "همان‌گونه خواهد بود که در ایام سدوم بود." چگونگی این کار را وعده داده بود. ببینید که در سدوم چه اتفاقی افتاد. یادتان باشد، آیت سدوم وجود داشت. اما پیغام آور ملاکی باب ۴ برای این است که «قلب قوم را به سمت پدران پنطیکاستی بازگرداند، به سمت کتاب مقدس»، نمی‌تواند هیچ کتاب مقدس دیگر و یا چیزی شبیه این باشد. این مکاشفه‌ی کامل خداست.

۱۰۹. برخی افراد می‌گویند: "به این قسمت ایمان دارم. آن یکی را چیزی در موردش نمی‌دانم."

۱۱۰. پیغام آور راستین خدا، شما را به سمت تمام کتاب مقدس سوق می‌دهد. می‌بینید؟ توجه کنید. این کاری است که روح القدس انجام می‌دهد. بازگرداندن شما به تمام کلام خدا.

۱۱۱. فیض او عیان گشته بود و مرحله‌ی بعدی، داوری بود. آنها حتماً به این اعتقاد

داشتند که در ساختمان‌های فرقه‌ای بزرگی که در اینجا دارند، امنیت خواهند داشت؛ اما متوجه شدند که این فایده‌ای ندارد.

۱۱۲. آنها باید یک جور... دو پسر به آنجا رفتند و گفتند که تمام ذریت از پیش مقدر شده را جمع کنند، و آن فاحشه... او از خانه‌اش برای کلیسا استفاده کرد و فرستادگان را پذیرفت، بعد تمام کسانی را که در آن شهر ایمان داشتند، زیر یک نشانه جمع کرد.

۱۱۳. یک زن در بین تمام آن جماعت! فقط یک زن، و احتمالاً بخاطر بدن‌نامی، توسط تمام کلیساهای شهر طرد شده بود. ولی او به فرستادگان ایمان داشت. آن فرستاده یک علامت به جای گذاشت، یک نشانه، و خدا آن علامت را محترم شمرد. امروز هم چنین است. فقط یادتان باشد، غضب ویرانگر خدا که آمد، آن سیستم بزرگ سقوط نمود و آن نشانه، خانه‌ی او را ایمن نگاه داشت. نه به دلیل اینکه او زن خوبی بود، بلکه به دلیل اینکه او ایمان داشت و علامت را به کار گرفت.

۱۱۴. چه می‌شد اگر او می‌گفت: "بله، آنها مردان خوبی بودند، قطعاً از پیغامی که دادند لذت بردم و مسرور گشتم. ولی راستش را بخواهید این احمقانه به نظر می‌رسد که آن ریسمان را از پنجره آویزان کنم." و این گونه او نیز سقوط می‌کرد. بله سقوط می‌کرد. خدا فقط آن نشانه را محترم می‌شمرد. درست مانند آن نشان حیات در مصر.

۱۱۵. یوشع نمادی بود از عیسی، چون در زبان عبری یوشع به معنای «یهوه نجات دهنده» است. او نمادی بود از عیسی. او نسبت به نمادی که فرستاده‌اش آن را موعظه کرده بود صادق بود. یوشع در راستی آن علامت ماند. تمام کسانی که در مصر تحت پوشش آن علامت بودند، نجات یافتند. در اریحا هم تمام آنانی که تحت پوشش آن نشانه بودند، نجات یافتند.

۱۱۶. آن خون بره، یک نماد است از نشانه‌ی امروز، که علامت امروز، روح‌القدس

است. تمام کسانی که زیر پوشش آن باشند، در امان هستند. تمام کسانی که خارج از پوشش آن باشند، در امان نیستند. در عبرانیان ۱:۱۰ و ۲۰ او «عهدی ابدی» خوانده شده است. عهد عتیق یک چیز بود، این چیزی تازه است. این «عهد ابدی» است.

۱۱۷. خدا، خون عهد خدا ما را از گناه آزاد ساخته و از جهان متمایز می‌سازد. لازم نیست که لباس متفاوتی بپوشید. هرکس می‌تواند لباس متفاوتی بپوشد. شما باید از درون متفاوت باشید. حیات از درون است، نه از طرز لباس پوشیدن. "ملکوت خدا اکل و شرب نیست، بلکه عدالت و سلامتی و خوشی در روح القدس."^{۱۶}

۱۱۸. حال، وعده‌ها ما را از گناه آزاد ساخته و نشان می‌دهد که خدا گناه شما را محسوب نمی‌دارد. داوود گفت: "خوشابحال کسی که خداوند به وی جرمی در حساب نیاورد..."^{۱۷} و خدا هرگز در آن نشانه جرمی به حساب نمی‌آورد، چون آن علامت نشانه‌ی پرداختی است که خدا آن را پذیرفته است و شما بهای رستگاری خود را دارید، تا او را بپرستید و وعده‌ها و قوت او را آشکار سازید.

۱۱۹. عهد جدید یعنی یک «پیمان تازه»، خون یعنی «حیات»، عهد جدید عهد روح القدس است. روح القدس شهادت می‌دهد به چیزی که عیسی مسیح را از مرگ برخیزانید، و نشان می‌دهد که عیسی مسیح با تمام آنچه که مورد نیاز ما بود، مواجه شده و امروز زنده است. آن علامت اثبات می‌کند که او بر طبق وعده‌اش زنده است، تا خود را با ما بشناساند. حال چگونه یک انسان می‌تواند کتاب مقدس را بخواند و ببیند که او این وعده را داده است و ببیند که مسیح در این ایام آخر به صورت روح القدس بازمی‌گردد و خود را زنده آشکار می‌سازد؟ این، آن نشانه است. این بهایی است که پرداخت شده است.

^{۱۶} رومیان ۱:۱۴
^{۱۷} مزامبر ۳:۳۳

۱۲۰. هرگز بر یک احساس و یا ظاهر تکیه نکنید. "احساس می‌کنم که یأس از من برداشته شده است. یک چیزهایی را احساس می‌کنم، من خون را در دستان خویش دیده‌ام، من لیسانس گرفته‌ام یا، یا... یا من در روح رقصیده‌ام، به زبان‌ها صحبت کرده‌ام." شاید این چیزها خوب باشند، من هیچ مخالفتی با آنها ندارم. ولی این چیزی نیست که من از آن صحبت می‌کنم.

۱۲۱. من در مورد هویت آن نشانه صحبت می‌کنم، عیسی مسیح که قیام کرده و اکنون زنده در بین ما است، خود را آشکار می‌نماید، تا دوباره کلام وعده‌ی خویش برای امروز را اثبات نماید. آمین! پس شما و مسیح یک هستید، خدا و مسیح یک هستند. "در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم و پدر در من؛ من در شما و شما در من."^{۱۸} بعد از دوهزار سال، این خداست که خود را در جسم بشر آشکار نموده و نشان می‌دهد که زنده است. این نشانه است.

۱۲۲. دوستان، اگر در آن نیستید تعجیل کنید. شاید اکنون خیلی دیر شده باشد. ما این را نمی‌دانیم.

۱۲۳. عهد جدید حضور او را نشان می‌دهد، خون را، و او اکنون زنده است و این را اثبات می‌کند، و چون او هست ما نسبت به تمام آنچه که او برای ما خریداری نموده، دارای حق هستیم. یک مرد و یا زنی که که تعمید روح‌القدس یافته باشد، نسبت به هر آنچه که عیسی مسیح به خون خود خریداری نموده، محق است. زیرا آن، نشانه‌ای است که ما داریم. این قوت خرید است.

۱۲۴. مثلاً شما می‌گویید: "خوب، برادر برانهام منظورت چیست؟"

۱۲۵. اینجا، اکنون آن را بیان می‌کنم و می‌خواهم که متوجه آن بشوید.

^{۱۸} انجیل یوحنا ۲۰:۱۴

۱۲۶. حال، اگر تعمد روح القدس را یافته باشید، نشانگر این است که هر چیز رستگاری بخش که عیسی بخاطر آن مرد، به شما تعلق دارد، در دستان شماست. آیا از مطالبه‌ی آن می‌ترسید؟

۱۲۷. اگر دستم را بگذارم در جیبم و بگویم: "خوب! نمی‌دانم می‌توانم نان بخرم یا نه." حتماً از گرسنگی خواهم مرد. ولی یادتان باشد، دیگری می‌گوید: "آقای برانهام! من یک خواسته دارم. با یک بیست و پنج سنتی می‌توانی، یک نان بخری." آمین! این تعیین کننده است.

۱۲۸. این دلیل آن است که ما امروز شاهد انجام کارهای زیادی نیستیم. آن علامت آشکار نگردیده است، علامت راستین. ما انواع و اقسام بدلی‌ها را داریم، ولی من منظورم نشانه‌ی حقیقی است.

۱۲۹. ببینید، زمانی که ما متوجه شده و آن نشانه را آشکار سازیم، حیاتی که بعنوان نشانه گرفته شده است، یعنی آن خون، برای ما صحبت می‌کند. به یاد داشته باشید، خون عهد با نشانه رسمیت می‌یافت و کلام، ما را نسبت به وعده مطمئن می‌سازد. آن نشانه، علامت این است که خرید برای ما انجام شده است.

۱۳۰. حال اگر شما جزئی از آن نشده باشید، خوب مسلماً چیزی بدست نخواهید آورد. مثل این است که تنها در صف دعا قرار گرفته باشید، به سمت مذبح حرکت می‌کنید و از آن سمت خارج می‌شوید.

۱۳۱. ولی، اوه برادر! وقتی آن نشانه یک بار در قلب شما جا گرفته باشد و بدانید که رستاخیز عیسی مسیح در شما است، چیزی در حال رخ دادن است. هیچ چیز نیست که شما را تبدیل کند. می‌دانید که متعلق به کجا هستید. اطاعت تام از تمام کلام خدا شما را به آن نشانه مسمی ساخته است و نه چیز دیگری. "خوشبحال آنانی که رخت های خود

را می‌شویند تا بر درخت حیات اقتدار یابند و به دروازه‌های شهر درآیند.^{۱۹}

۱۳۲. پس زمانی که دعا می‌کنیم، باید آن علامت را داشته باشیم، تا آن را با دعای خویش نمایان سازیم. از بدست آوردن آن غافل نباشید. زمانی که دعا می‌کنید، باید آن نشانه را داشته باشید. اگر ندارید، تازمانی که بر شما قرار بگیرد، دعا کنید. چون... می‌دانید ابتدا باید آن نشان را داشته باشید، آن بهای پرداخت شده است، ایمان شما برای پذیرش آن.

۱۳۳. حال، نشانه‌ی اطاعت محض، ترس از بین رفته است. پولس این را به ما می‌گوید: «خون متکلم است به معنی نیکوتر.»

شما می‌گویید: «خون متکلم است؟» بله، خون متکلم است.

۱۳۴. در پیدایش ۱۰:۴ می‌بینیم که خدا گفت خون قائن... یا «خون هابیل از زمین فریاد برآورد.» و در عبرانیان باب ۲ می‌بینیم که «خون پاشیده شده‌ی عیسی متکلم است، به معنی نیکوتر از خون هابیل.» متوجه شدید؟ پس می‌بینیم که خون تکلم می‌کند. خون به جای شما صحبت می‌کند. حیاتی که در شما است، از خون ریخته شده، تکلم می‌کند. آمین! اوه برادر! یککاش همه می‌توانستند این را ببینند. می‌بینید؟ اگر بتوانید بدانید که این چیست. این حیاتی است که در شما است. می‌دانید، آن خون در حال هویت بخشیدن به شما، با آن است. این علامت است... خون برای شما ریخته شد، شما پذیرفتید و حیات به شما وارد گشت. شما نشانه را که روح‌القدس باشد، دارید.

۱۳۵. همان‌طور که گفتم، زمانی که دعا می‌کنیم، باید آن نشانه را داشته باشیم تا با دعای خویش آن را عرضه کنیم. و اکنون خود ایمان داشته و آن را برای تمام خانواده استفاده کنیم، مانند مصر، اریحا و یا اعمال ۳۱:۶. می‌بینیم که پولس به یوزباشی رومی گفت: «ایمان آور که تو و اهل خانه‌ات نجات خواهید یافت.» آن را برای خانواده‌ات به کار

ببند. اگر فرزندی داری که نجات نیافته است، نشانه را بر او قرار ده و بگو: "خداوند! او را مطالبه می‌کنم." همانجا بمانید. اگر مادر و یا عزیز دیگری که از دست رفته است، آن نشان را به کار برید و بگویید: "خداوند خدا! این را طلب می‌کنم."

۱۳۶. از تمام زباله‌های دنیوی خارج شوید، آنها را از خانه خارج کنید، برای این مهیا شوید. لباس‌های کوتاه‌تان را بسوزانید، ورق‌های قمارتان را دور بریزید. از دست آن سیگار خلاص شوید. بی‌ایمانی و مدارک کلیسایی خود را به سطل زباله، یعنی جایی که بدان تعلق دارند، بیندازید. آمین! آن وقت در حال آماده شدن هستید. بعد چه کنید؟ سپس در دعا آن نشانه را به کار بندید، با اطمینان به کار برید. وقتی آن نشانه را به کار می‌برید، بدانید که طاهر گشته‌اید. اگر در قلبمان ملزم و محکوم نگردیم، پس خواست خود را داریم.

۱۳۷. تا زمانی که آن کارهای اشتباه را انجام می‌دهید، چطور می‌خواهید از خدا بخواهید برای شما کاری انجام دهد، درحالی که می‌دانید در اشتباه هستید؟! به همین دلیل است که ما در نوسان و بالا و پایین شدن هستیم. این را نمی‌گوییم که شما را ناراحت کنم. به این دلیل می‌گوییم که درک بهتری داشته باشیم. چطور می‌خواهید خود را بر مخروبه‌های سدوم و غموره بنا کنید؟ باز گردید.

۱۳۸. خادمین و انجمن‌ها به افراد اجازه می‌دهند که هرکاری را دوست دارند انجام دهند و بروند، تا فقط نام آنها را در یک دفتر ثبت کنند. آنها را چنین و چنان بخوانند، درحالی که این یک فضاقت است. به جایی رسیده است که ایمان... حتی به ندرت می‌دانند که این چیست. افراد فقط امیدوارند، ولی ایمانی در آنها دیده نمی‌شود.

۱۳۹. باید باز گردید، باید بازگشت نموده و هرچیز را دور ریخته و طاهر گردید. سپس نشان خود را بگیرید، که بدانید عیسی مسیح در شما است و بعد آن را به کار ببرید. اگر چیزی رخ نداد، پس یک جای کار ایراد دارد. دوباره به عقب بازگردید، چون نشان

درست را نیافته‌اید. او این را وعده داده است. او کسی بود که این را وعده داد. افسسیان ۱۲:۲ را بخوانید. آنجا این را متوجه خواهید شد.

۱۴۰. به عبرانیان ۱۱:۹ هم توجه کنید. پولس گفت: "خدمت به خدای زنده با الهام زنده" نمی‌گوید که مانند یک عبرانی برویم، یک قربانی ببریم و با گوساله‌ای بازگشته، دست خود را بر آن بگذاریم تا با آن هویت یابیم، سپس خون آن را ریخته، عادل گشته و بازگردیم. یهوه این را می‌خواست. آن وقت نسل بعدی شاید اندکی سردتر شوند و همین‌طور سردتر. می‌دانید، اولین چیزی که رخ می‌دهد، این است که این در نسل آن قربانی دهنده به یک سنت تبدیل می‌شود.

۱۴۱. این حالتی است که پنطیکاست برای ما پیدا کرده است، یک سنت خانوادگی. ما می‌رویم و می‌گوییم: "آیا نمایش تلویزیونی امشب جالب نبود؟ آنجا در کلیسا چه کارهایی انجام دادند. خداوند عیسی چندین نفر را شفا داد و... "اوه! می‌بینید؟ یک سنت خانوادگی... "می‌دانی، آن روز به زبان‌ها صحبت کردم، من عضو این و آن و... هستم. من... آه‌ها" اوه! این یک سنت خانوادگی است.

۱۴۲. می‌دانید خدا چه گفته است؟ خدا گفته است: "پیه و بره‌های شما در نظر من متعفن است. درست است. قربانی شما متعفن گشته است."

۱۴۳. قربانی‌های پنطیکاستی هم همین‌طور، و تمام خرابکاری‌های فرقه‌ای، و رفتاری که مردان و زنان ما دارند. صورت دینداری دارند، یکی در موسیقی... دیگری مدتی بالا و پایین می‌پرد، و این تمام آن است. اگر واقع شود که کلام خدا چیزی را بگوید و پیش رود، مانند این است که سطلی آب ریخته شده است. جریان چیست؟ قربانی‌های شما در نظر یهوه، در حال متعفن شدن است.

۱۴۴. و در آن زمان بود که اشعیا وارد صحنه شد و به آنها گفت: "به شما آیتی خواهم داد،

اینک باکره آبستن شده... "می بینید؟ بفرمایید. نه آیین‌ها و روش‌های مرده، بلکه یک الهام زنده، یک خدای زنده که از موت برخاسته است و زنده‌ای که در میان ما است.

۱۴۵. برخی از آن کلیساهای اینچنین، که به این چیزها ایمان دارند، منکر وجود چنین چیزی بعنوان نشانه هستند. خوب! دوستی تلاش می‌کرد به من بگوید: "این تنها دوازده رسول بودند که روح‌القدس را یافتند. این تمام چیزی است که وجود دارد. بله."

۱۴۶. ولی ما که به کلام ایمان داریم تفاوت را می‌شناسیم. ما می‌دانیم که این حضور زنده است. از کجا می‌دانیم روحی که در میان ما است، حضور زنده‌ی مسیح است؟ همان اعمالی را انجام می‌دهد، که او انجام می‌دهد. این است که گواه آن است. تا که از میوه‌اش شناخته می‌شود. اگر آن تا که ابتدا رشد کرده و بر آن کتاب اعمال رسولان نوشته شد و رسولان همان کاری را انجام دادند که عیسی انجام داد، بعد زمانی که تا که پیش بیاید دوباره همان کار را انجام می‌دهد. می‌بینید، عبرانیان ۸:۱۳ همین را می‌گوید. اوه خدای من! اثبات می‌کند که خدا بر طبق وعده‌ی کلام خویش، او را برای ما از مرگ برخیزانید. [فضای خالی روی نوار]

۱۴۷. مُهر وعده! افسسیان ۳۰:۴ می‌گوید: "و روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید محزون مسازید." نه اینکه تا بیداری بعدی، بلکه «تا روز رستگاری!» در آن تعمیم یافته‌اید، بر طبق اول قرن‌تین باب ۱۲. و تمامی پری در اوست و هیچ گناه در او یافت نمی‌شود. "آنکه از خدا تولد یافته باشد گناه نمی‌کند. ذریت خدا در او می‌ماند و او نمی‌تواند گناه کند. چطور می‌تواند، درحالی که نشانه آنجاست؟" آن علامت، نشانگر این است که او پذیرفته شده است.

۱۴۸. و خوب، شما می‌گویید: "من گناه می‌کنم." خوب! پس شما هرگز آن علامت را نداشته‌اید. می‌بینید؟

۱۴۹. آن علامت مانع است. نشان می‌دهد که بها پرداخت شده است. اگر شیطان تلاش می‌کند که این را از شما بگیرد... فقط به این فکر کنید. اگر شیطان تلاش می‌کند تا بیماری را به شما بدهد، یا کار دیگری را انجام دهد، می‌خواهید که آن را انجام دهید؟ نشانه‌ی خود را به او نشان دهید و به او اثبات کنید که به دست خدا خریداری شده، هستید. "با ابلیس مقاومت کنید، تا از شما بگریزد." ^{۲۰} آن علامت را بر بالای ایمان لغزش ناپذیر خود، در کلام وعده‌ی او نگاه دارید.

۱۵۰. خدا یک بار قوس و قزح را بعنوان نشانه قرار داد. ده دقیقه‌ی دیگر مطلب را به انتها می‌رسانم و بعد صف دعا را تشکیل می‌دهیم. او تابحال با آن نشان مانده است. نمانده؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] هنوز هم همین‌طور است. در تمام این هزاران سال، یک بار هم از ظاهر نمودن آن نشان قصور نورزیده است. او با آن نشان، مانده و به ما نشان می‌دهد... و هرگز از تکریم نشانه‌های خویش قاصر نمی‌باشد.

۱۵۱. اگر عیسی تا ده هزار سال نیاید، شما آن نشانه را دارید. او همچنان باید به آن احترام بگذارد. مهم نیست که چه اتفاقی می‌افتد و یا چه چیزهایی تغییر می‌کند. او باید به آن نشان احترام بگذارد. او گفت که چنین می‌کند. بسیار خوب. او امروز از ما انتظار دارد، تا آن نشان را بر روی ایمان خدادادی خود، بالاتر از هر بی‌ایمانی در این کشور و در جهان، که ایمان دارند این آیات همراه ایمان داران نخواهند بود، ظاهر سازیم. در راستی آن نشان باشیم و آن نمایانگر این است که بها پرداخت شده، ما برای قیامت پذیرفته شده‌ایم و نشان حیات را در خویش داریم.

۱۵۲. این پیغام یک پیغام برنده ولی درعین حال حقیقت است. این چیزی است که ما بدان نیاز داریم، یعنی راستی. خدا ما را در شناخت راستی امداد نماید. «حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد نمود.» من مدعی هستم که عیسی مسیح

دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است. من ایمان دارم که هم اینک و قبل از خروج عروس از کلیسا، خدا روح القدس را بعنوان یک نشانه می دهد.

۱۵۳. من ایمان دارم که حماقت های زیادی وجود دارد، مردم می گویند که به زبان ها صحبت کرده اند و در روح فریاد زده اند. من به این چیزها ایمان دارم. ولی شما نمی توانید به آن استناد کنید. چگونه می توانید به آن استناد کنید و بعد کلام را انکار کنید؟ می بینید؟

۱۵۴. نشانه، کلام است که در شما شناسایی شده و خود را بروز می دهد. این مفسر بودن خدا برای خویش است. لازم نیست بگویید: "خوب، حالا تو زبان من را ترجمه کن." این گونه نیست. او زندگی شما را با کلام تفسیر می کند. وقتی او کلام شما را می گیرد، آنچه که هستید، و کلام خویش را از آن طریق می شناساند، به هیچ مفسری نیاز نیست. چون او هم اینک آنجاست. خدا تفسیر خویش را انجام می دهد و ما این وعده را برای دوران داریم.

۱۵۵. اوه دالاس، شما مسیحیان دوست داشتنی! به واسطه ی امور امروزی که می بینید رخ می دهند، ر بوده نشوید، چون هلاک خواهید شد. همیشه آن نشان را بکار گیرید و آن را آشکار سازید. کتاب مقدس را بخوانید و اگر روحی که در شما است به آن «آمین» نمی گوید، باید بازگردید و چیزی را که بعنوان نشانه یافته اید، تغییر دهید. چون نشانه را نیافته اید.

۱۵۶. برای امروز چیزهای زیادی هست که بخوایم بگویم. اکنون ساعت چهار و سی دقیقه است و اگر بتوانیم تا ساعت پنج صف دعا را داریم.

۱۵۷. ایمان دارید که عیسی مسیح امروز زنده است و سلطنت می کند؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] ایمان دارید آنچه که به شما گفتم حقیقت است؟ ["آمین!"] این نشانه است. من

تنها از چیزی می‌توانم صحبت کنم که حقیقت است. تنها از چیزی صحبت می‌کنم که می‌بینم، می‌شنوم، آنچه بر من مکشوف شده است. این را می‌گویم که، از ده‌ها هزار بار و هزاران بار، یک بار هم حقیقت بودن آن متزلزل نگشته است. حال، پس این باید خدا باشد. آن باید خدا باشد. خوب، آیا خدا رازی را به کسی می‌دهد که نداند از چه چیزی صحبت می‌کند؟ ["خیر."] آیا او خود را بعنوان آن برزگر می‌شناساند و بعد یک کلام درهم ریخته را به او می‌دهد؟ ["نه."] کسی که این کار را بکند، اوست که درهم ریخته است. خدا این کار را نمی‌کند. خدا مفسر خویش است.

۱۵۸. آن نشان را بدست آورید! متکی به عضویت در یک کلیسا یا یک تشکیلات یا هر چیزی مانند آن نباشید. نشانه را بدست بیاورید. آن را نگه دارید. این تنها چیزی است که خدا خواهد پذیرفت. وقتی آن ساعت فرا برسد، وقتی زمان مرگ شما برسد، بهتر است که آن نشان را داشته باشید، با دانستن اینکه در روز آمدن او، در آن روز، آن نشانه را آشکار کنید. آن در این بدن نخواهد بود، این بدن پوسیده است، ولی در این روح. این روح نمی‌تواند بمیرد. نشانه آنجا قرار دارد.

۱۵۹. همان عیسی اینجاست، او پیغام آور است. او... پیغام این است و او بعنوان پیغام آور اینجاست، تا خویش را بشناساند. من پیغام آور نیستم، او پیغام آور است. این پیغام است و اگر شما روحی یافته باشید که در تضاد با آن پیغام باشد، چطور می‌تواند پیغام آور آن پیغام باشد؟ تنها نشانه است که آن را شناسایی می‌کند. آمین!

۱۶۰. احساسی روحانی دارم. واقعاً چنین است. احساس می‌کنم همین الآن می‌توانم به پرواز درآیم. چون می‌دانم به چه کسی ایمان دارم و دیده‌ام که حیات من در قیامت او هویت یافته است. حضور او اینجاست. دوستان آن را بپذیرید، از ته قلب. خواهش می‌کنم.

۱۶۱. می‌دانم که همه‌ی ما به گرد مذبح دعا خواهیم آمد. این یک تفکر قدیمی

متدیستی است. هرگز در کتاب مقدس این کار را انجام ندادند. کتاب مقدس می گوید: "تمام کسانی که ایمان آوردند، تعمید یافتند." ^{۲۱} درست است. چنین چیزی به نام مذبح دعا در کتاب مقدس وجود ندارد. این چیزی است که ما ایجاد کرده ایم، که خوب است. هر آنچه که خدا آن را مبارک بسازد، خوب است.

۱۶۲. مانند لباس هایی که مسح می کردند. چنین چیزی در کتاب مقدس وجود نداشت. "و دستمال ها و رداها از لباس پولس می گرفتند." ^{۲۲}

۱۶۳. ولی به هر طریقی که بخواهید آن را انجام دهید، اشکالی ندارد. سرجایتان، در مذبح، هر جا که باشد. تنها کار، آن نشانه را به کار ببرید؛ آن نشانه را. سپس به خودتان بنگرید، به اینکه چه نوع حیاتی در شما جاری است و اینکه آیا آن نشانه به کار رفته است یا خیر. اگر چنین نیست، هر آنچه یافته اید را کنار بگذارید و بازگردید. تا زمانی که آن نشانه را بیابید.

۱۶۴. دعا کنیم. پدر آسمانی! شاید.. شاید لحن من کمی تند بوده، ولی خداوندا! یک میخ چطور می خواهد باقی بماند، اگر تو آن را میخکوب نکرده باشی؟ خداوندا! دعا می کنم تا این در قلب قوم ملصق گردد، تا بتوانند ببینند که این چیزی جزئی نیست. این گونه نیست که من بخواهم یک تشکیلات، یک دسته یا یک آیین را هویت بخشم، یا خود را یا اینکه هر کس دیگری را. این عیسی مسیح است. «من تمام آن تشکیلات را با هم کنار می گذارم» این را بر طبق کلامت انجام می دهم. «مادر فواحش» مکاشفه باب ۷ «او مادر فواحش بسیار بود» و آن فواحش نمی توانستند که مرد باشند. آنها فاحشه بودند و همی آنها به بستر مادیات رفتند و ما دیده ایم که این انجام شده است، پنطیکاستی ها و سایرین را.

^{۲۱} اشاره به اعمال رسولان باب ۸
^{۲۲} اشاره به اعمال رسولان باب ۱۹

۱۶۵. اما عیسی! تو هنوز هم عیسی هستی. بگذار تا آنها به پیغام یک کلیسا گوش نکنند، بلکه پیغام عیسی مسیح، کلمه را. خداوندا! امروز خود را با ایمان داران بشناسان. بیماران را شفا ببخش. گناهان ما را ببخش. خداوندا! بعنوان خادم دعا می‌کنم که گناهان قوم و گناهان ما را ببخشی. خداوندا! دعا می‌کنم که هیچ‌یک از آنها این را از دست ندهند؛ هیچ کدام.

۱۶۶. خداوندا! این کار را صادقانه انجام می‌دهم و درعین حال تو... می‌دانیم که محبت اصلاحگر است. محبت تأدیب کننده است. و دعا می‌کنم، چون این دلیلی است که تو قوم خویش را تأدیب نمودی و هر گناهی باید پاسخ داده شود.

۱۶۷. و خداوندا! دعا می‌کنم چنانکه اکنون به گناهانمان اعتراف می‌کنیم، تو آنها را مورد مغفرت قرار دهی. ما بسیار پریشان هستیم، ای خداوندا! من با این افراد پنطیکاستی شناخته شده‌ام، من یکی از آنها هستم، خداوندا! دعا می‌کنم که همه‌ی ما را ببخشی و بعضی از این رهبران را گرفته و تبدیل نمایی و بگذاری تا یک بار به جلجتا بنگرند، و آنچه را که باید باشند، شیخ یا اسقف یا هر چیز دیگر را فراموش کنند و بدانند که ما از این ملکوت بزرگ‌تر نیستیم. ما همگی فرزندان خدا هستیم. دعا می‌کنم که اینک ما را امداد نمایی. اینک خود را در میان ما بشناسان. به نام عیسی مسیح می‌طلبیم. آمین!

۱۶۸. اکنون قبل از اینکه صف دعا را تشکیل دهیم، شاید کسی باشد که قبلاً اینجا نبوده باشد، من شما را نمی‌شناسم ولی خدا شما را می‌شناسد. اگر من حقیقت را گفته باشم، خدا آن را ظاهر می‌سازد، چه درست باشد چه نادرست. این اثبات آن است. اگر او از مرگ قیام نموده، دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است. او در یوحنا ۱۴:۱۲ می‌گوید: "هر که ایمان آورد" نه آنکه اظهار ایمان نماید. "هر که به من ایمان آرد کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد." درست است؟

۱۶۹. یک نفر می‌گفت: "بزرگ‌تر از آن را انجام خواهید داد." این درست است. می‌گفت: "خوب! ما انجیل را موعظه می‌کنیم. این بزرگ‌تر است."

۱۷۰. همان اعمالی را که او انجام می‌داد، شما هم انجام می‌دهید. این به من اثبات خواهد شد. بعد می‌توانیم در مورد اعمال عظیم‌تر با هم صحبت کنیم. می‌توانم اعمال بزرگ‌تری را که اینک او نسبت به زمانی که روی زمین بود، انجام می‌داد، به شما نشان بدهم. و آن فقط موعظه‌ی انجیل نیست، آیات و معجزات است. زمانی برای آن نیست. ایمان داشته باشید. خدای آسمان که عیسی مسیح را از مرگ برخیزانید و او را زنده اینجا حاضر ساخت، بعد از دوهزار سال، این پیغام را می‌شناساند که صحیح است.

۱۷۱. حال، شما که در تنگی و سختی هستید، دعا کنید. صادقانه بگویید: "خداوند! ایمان دارم که تو کاهن اعظمی هستی که در تنگی‌ها و سختی‌های ما در دسترس هستی. و این خادم به ما گفته است که تو با ما و حاضر هستی. پس می‌خواهم که با ما باشی و خود را بشناسانی." حال دعا کنید، همه‌ی شما.

۱۷۲. حال، این مربوط به خداست که چیزی بگوید. چه زمانی! دوست داشتم یک چیز را می‌دانستید. وقتی آن زمان برسد چه حسی خواهید داشت؟ زمانی که تمام دنیا متعلق به شما است. آمین! حال، ابلیس هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. او مغلوب است. خداوند من حاضر است. این در دستان ما است. آمین!

لطفاً در آرامش باشید. آرام باشید.

۱۷۳. شما که روی ویلچیرها و چیزهای دیگر هستید. احساس درماندگی نداشته باشید. ایمان داشته باشید. شما، شما که به صف‌های دعا پیوسته‌اید و عاجز مانده‌اید، این خادم نبود که ناتوان بود، بلکه ایمان شما است که قاصر بوده است. فکر می‌کنید که نمی‌خواهید کاری انجام دهید. ایمان داشته باشید.

۱۷۴. اینهاش! این نور آنجاست، بالای سر یک خانم سیاه پوست که آن پشت نشسته است. او دست‌های خود را به این حالت بلند کرده است. بله، شما داشتید دعا می‌کردید. بله، ایمان دارید که من نبی یا خادم او هستم؟ من نباید این را بگویم چون باعث لغزش افراد می‌شود. شما یک...

۱۷۵. در اینجا یک زن سیاه پوست و یک مرد سفید پوست هستند. درست مانند خداوندمان و زن سرچاه، دو نژاد متفاوت. او به آنها فهماند که هیچ تفاوتی بین نژادها نیست. این هیچ ربطی به رنگ پوست ما ندارد. همه‌ی ما... همه‌ی ما می‌توانیم به یکدیگر خون اهدا کنیم. خدا تمام امت‌ها را از یک سلول خونی ساخت.

۱۷۶. شما به سردرد مبتلا هستید. سردردهای شدید. شما طفلی در رحم دارید. این بخاطر آن نوزاد است و شما... این کوفتگی است. [خواهر می‌گوید: "آمین!"] دقیقاً همین‌طور است. درست است؟ ["آمین!"] درست است.

۱۷۷. آن خانم که در آن طرف شما نشسته است. به نظر از آشنایان شما می‌آید، بله او مادر شما است. [خواهر می‌گوید: "آمین!"]

۱۷۸. به من ایمان دارید خانم؟ [مادر می‌گوید: "آمین!"] دارید؟ مشکل شما درد پهلویتان است. پهلوی سمت راست شما. درست است. سمت راست شما است که درد دارد. درست است؟ اگر درست است، دست خود را بلند کنید. این درد دیگر شما را آزار نخواهد داد. ایمان دارید که خدا می‌تواند به من بگوید شما که هستید؟ خانم لوول!^{۳۳} ["آمین!"] درست است. ["آمین!"] بسیار خوب. به راه خود بروید. خداوند خواسته‌ی شما را به شما عطا می‌کند.

۱۷۹. منتهی الیه سمت راست، آن خانم، یک خانم سیاه پوست دیگر نشسته است. او

دارد به من نگاه می‌کند. او به این ایمان دارد. آن، شما آن چیز را درست در کنار او نمی‌بینید؟ او از درد کلیه رنج می‌برد. درست است. الآن دیگر تمام شده است. او شما را شفا داد. آمین!

۱۸۰. چرا ایمان ندارید؟ "اگر ایمان داشته باشید، شما را همه چیز ممکن است." ^{۲۴} به این ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] اینجا... به افراد سفیدپوست نگاه کنید. ایمان شما کجاست دوستان سفیدپوست؟

۱۸۱. یک خانم سفید پوست درست همین جا نشسته و به من نگاه می‌کند. او در زانوی خود مشکل دارد. او یک مشکل دیگر هم دارد. او مشکل قلبی دارد. بله، او ضعف و لرز و از این قبیل مشکلات دارد. مخصوصاً وقتی می‌خواهد دراز بکشد، احساس خفگی می‌کند. می‌بینید؟ این اتفاق دیشب افتاده است. یادتان باشد، من ذهن شما را نمی‌خوانم، ولی می‌دانم در چه مورد دعا کردید. شما می‌خواستید در این مورد فراخوانده شوید و او خواست شما را پاسخ داد. شما به سختی می‌توانید بلند شوید، چون ورم مفاصل هم دارید. درست است. بعد، یک چیز دیگر، شما مشکل معده هم دارید، که مربوط به غده‌ی درون معده‌ی شماست. درست است. حال، ایمان دارید که من نبی او هستم؟ به هر حال من این را خواهم گفت. ایمان داشته باشید و خوب خواهید شد.

۱۸۲. معده درد شما چگونه؟ ایمان دارید که خدا درد معده‌ی شما را هم شفا خواهد داد؟ ایمان دارید؟ بسیار خوب، پس می‌توانید شفای معده‌ی خود را داشته باشید. آمین!

۱۸۳. خانم! آیا می‌خواهید سیگار را کنار بگذارید؟ ایمان دارید که خدا این کار را برایتان می‌کند؟ مدت زیادی است که تلاش می‌کنید این کار را انجام دهید. شما معده درد هم دارید. تلاش می‌کنید تا سیگار را کنار بگذارید. این چیزی است که باعث معده

درد شما شده است. آیا آن را رها می‌کنی؟ من آنها را به نام عیسی مسیح و بخاطر ایمانتان برای لمس او، از شما اخراج می‌کنم.

شما را به چالش می‌کشم. به خدا ایمان داشته باشید.

۱۸۴. اینجا یک خانمی نشسته است که... او برای یکی از عزیزانش که در بیمارستان است دعا می‌کند. او در اثر سرطان رو به مرگ است. این دایی او است که بیمار است. درست است. شما همچنین... شما همسر یک خادم هستید. با تمام قلبتان ایمان داشته باشید. آن مرد خوب خواهد شد.

۱۸۵. به خدا ایمان داشته باشید. این چیست؟ شناسایی، آن عیسی مسیح است. شما می‌گویید: "مسیح چیست؟"

۱۸۶. کلام اینجاست. "در ابتدا کلمه بود، کلمه نزد خدا بود. کلمه جسم گردید و در بین ما ساکن شد..."^{۲۵} "زیرا کلام خدا زنده و مقتدر و برنده تر است از هر شمشیر دودم و فرو رونده تا جدا کند نفس و روح و مفاصل و مغز را و ممیز افکار و نیت‌های قلب است."^{۲۶} نمی‌توانید ببینید که در ایام آخر کلام به میان ما آمده است؟ آیا روح القدس کلام خدا را گرفته و عیسی مسیح را که همان نشانه است، می‌شناساند؟ آمین! ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۱۸۷. چند نفر کارت دعا دارند؟ تمام کسانی که در این سمت کارت دعا دارند، بلند شوند و در اینجا صف ببندند. تمام کسانی که در آن سمت هستید، در آن سمت، در راهرو بایستید. نه، فقط در راهروی سمت راست، همان‌جا لطفاً. راهنماها، سرجایتان بایستید. بعد وقتی آنها عبور کردند، بقیه بلند شوند و بیایند؛ و بالعکس.

^{۲۵} انجیل یوحنا ۱:۱ و ۱۴
^{۲۶} عبرانیان ۱۳:۴

۱۸۸. روح‌القدس جلسه را فرا گرفته، برای اثبات آن به اندازه‌ی کافی صحبت و عمل شده است. چند نفر ایمان دارند که او اینجاست؟ چند نفر ایمان دارند که آن، نشانه است؟ چند نفر ایمان دارند که این کلام است؟ [جماعت به وجد آمده‌اند.] ببینید، چند نفر از شما این آیه از کتاب عبرانیان که می‌گوید: «او ممیز افکار است.» را می‌دانند؟ چند نفر این را می‌دانند؟ چند نفر می‌دانند دلیلی که عیسی می‌توانست افکار قوم را تشخیص دهد، این است که او کلمه بود؟ چند نفر به آن ایمان دارند؟ چند نفر ایمان دارند، این چیزی است که با انبیاء بود؟ آنها کسانی بودند که کلام برایشان می‌آمد. اکنون اگر کلام بر ما بیاید، آیا همان کار را نخواهد نمود؟ پس چطور کلامی که کلام را می‌شناساند، می‌تواند غلط باشد؟ اوه، خدای من!

۱۸۹. هی، این خانم که اینجا نشسته است، او نیز چیزی در قلب خود دارد. شما خانم گرانٹ نیستید؟ من این را نمی‌دانستم. شما خانم گرانٹ هستید. چون من شما را با این می‌بینم. شما مشکل عصبی دارید، که شما را آزار می‌دهد. پسر شما هم... بله او مشکل خونی دارد. شا را به چالش می‌کشم که ایمان بیاورید. اوست که ارباب است. اوست که بر موت تسلط دارد.

دعا کنیم.

۱۹۰. خداوندا! اکنون که حضور تو در حال مسح ما در این ساختمان است، و ما می‌دانیم که این روح‌القدس است، خداوندا! دعا می‌کنم تا هر کس را که از این دستمال‌ها استفاده می‌کند، شفا بخشی.

۱۹۱. ما در کتاب مقدس یک بار آموخته‌ایم که وقتی قوم تو در حال انجام وظیفه و عبور از دریای سرخ بود، دریا در راه آنان قرار گرفت، درست در مسیر رسیدن به سرزمین وعده. خدا با چشمانی غضبناک از آن ستون آتش به پایین نظر کرد و دریا هراسان گشته به عقب

بازگشت و اسرائیل به حرکت خود به سمت سرزمین وعده ادامه داد.

۱۹۲. اوه، خداوند خدا! امروز چشمان تو از طریق خون عیسی مسیح بر این نشانه که بر این ستمالها گذاشته شده است، نظر کند و هرآنکس که از این دستمالها استفاده می‌کند، بیماری، او را ترک نموده و قوم تو به سرزمین نیکوی سلامتی عبور نماید. "دعای ایمان مریض را شفا خواهد بخشید."^{۲۷} در نام عیسی مسیح چنین باد. آمین!

۱۹۳. چند نفر واعظ متدیست اینجا هستند؟ یا واعظین لوتری، باپتیست، پرزبیتری و یا پنطیکاستی؟ چند نفر از شما به حقیقت بودن این ایمان دارید؟ پس مادامی که برای بیماران دعا می‌کنیم بیایید و کنار من بایستید. همه‌ی شما واعظین که ایمان دارید، بیایید این بالا.

۱۹۴. این بسیار خوب است. این‌طور نیست؟ برادر گرانگ اشکالی ندارد؟ [برادر می‌گوید: "حتماً!"]

۱۹۵. برادر! به اینجا بیایید. خدمت برادر گرانگ دعا برای بیماران است. یک مرد نیکو و دلیر. کسی که خدا او را می‌شنود و به دعای او جواب می‌دهد. برادر گرانگ. امروز از اینکه شانه به شانه‌ی او می‌ایستم و این را می‌گویم خوشنودم. حال، او می‌خواهد اینجا بیاید و با من دعا کند.

۱۹۶. زمانی که از این صف عبور می‌کنید، درست مانند این است که از زیر صلیب عبور می‌کنید. برادران، دوصف اینجا تشکیل دهید، همینجا، دوصف تشکیل دهید.

۱۹۷. برادر روی بُردرز^{۲۸} شما کجا هستید؟ فکر کردم که او اینجا است. [یک نفر می‌گوید: "او الآن برمی‌گردد."]

۱۹۸. به اینجا نگاه کنید، به خادمین. این باعث می‌شود که احساس خوبی داشته باشم. خادمین مسیح، مردانی که ایستاده‌اند تا خود را با پیغام هویت بخشند. چه اتفاقی می‌تواند بیفتد؟

۱۹۹. حال ببینید، این را به حساب خادمین نگذارید. آنها آمده‌اند تا خود را با پیغام بشناسانند. وقتی از اینجا عبور می‌کنید... نشانه را برای خود داشته باشید. و بگویید: "خداوند عیسی! به گناهان خود اعتراف نموده‌ام. در بازگشت تعمیم روح‌القدس را به من عطا فرما. من به خون تو خریداری شده‌ام. از این به بعد، گناه، بیماری و یا هیچ چیز دیگری نمی‌تواند مانع من بشود. من در مسیر درست هستم." این را پیش روی خود نگه دارید و از اینجا گذر کنید. خدا شما را شفا خواهد داد و شما در شادی و خوشی از اینجا خارج خواهید شد. به این ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۲۰۰. حال برادران! همه‌ی کسانی که اینجا هستند، سرهایمان را با هم خم می‌کنیم. نمی‌دانیم که چه اتفاقی قرار است بیفتد. ما نمی‌دانیم. هیچ دلیلی وجود ندارد که امروز بعداز ظهر کسی با بیماری اینجا را ترک کند. آن نشانه را در قلب خود نگه دارید و از این صف عبور کنید. درجایی که خادمینی که زندگی خود را وقف خدمت نموده‌اند، ایستاده‌اند تا بر شما دست بگذارند.

می‌گویید: "برادر برانهام! چرا این کار را کردی؟"

۲۰۱. می‌خواهم که شما، همه‌ی شما... بدانید که من شفا دهنده نیستم. این مردان به اندازه‌ی دیگران حق دارند تا برای بیماران دعا کنند. صادقانه، ایمان دارم که خدا قبل از اینکه به دعای من پاسخ دهد به دعای ایشان پاسخ می‌دهد. من خسته و بی رمق هستم. ایمان دارم که او به دعای ایشان پاسخ می‌دهد و ایشان در این میان ایستاده‌اند، تا خود را هویت بخشند و از این کار خجل نیستند. من از چنین مردانی قدردانی می‌کنم.

۲۰۲. حال برادران! احساس شما را می‌دانم. من با شما هستم. من همانی هستم که در تگزاس^{۲۹} تور خود را با شما پهن نمودم تا تمام آن کسانی که برای حیات، از پیش مقدر گشته بودند را صید کنم. من دارم تمام تلاش خود را می‌کنم. من با شما هستم، صد در صد. گاهی اوقات در مورد تشکیلات و فرقه‌ها اوقات تلخی می‌کنم. این بدان معنی نیست که مخالف شما هستم. برادر من! منظور من این است که من مخالف آن سیستمی هستم که بخاطر چند تعلیم مذهبی، برادری ما را جدا می‌سازد. ما به واسطه‌ی تعمید روح‌القدس برادر هستیم. ما همان نشانه را نگاه می‌داریم. ما می‌توانیم آنجا ملاقات کنیم. نمی‌توانیم؟

۲۰۳. حال، من بعنوان یک باپتیست مقدر گشته بودم. شاید شما متدیست باشید یا پرزبیتری، لوتری، پنطیکاستی، تثلیثی و یا هرچه که هستید. این هیچ تفاوتی را ایجاد نمی‌کند. نمی‌توانیم با اعمال آنها موافق باشیم، پس آنها را فراموش می‌کنیم.

۲۰۴. چیزی که می‌توانیم با آن در تطابق باشیم این است که عیسی مسیح، منجی ما، بخاطر گناهان ما مرد، دوباره برخاسته و نشانه را به ما می‌دهد. ما با دعاهایمان اینجا ایستاده‌ایم تا برادران و خواهرانمان را که از این صف عبور می‌کنند، به حضور او بلند کنیم. می‌خواهم با تمام قلب به این ایمان داشته باشم.

۲۰۵. در همان لحظه شاهد اتفاقی بودم. می‌دانم که فکر می‌کنید دیوانه هستم. ولی امیدوارم که بتوانم همین‌طور باقی بمانم. بله آقا! احساسی فوق‌العاده دارم. بیایید دعا کنیم.

۲۰۶. خداوند عیسی! در حال ترک این جایگاه هستم تا خود را با این برادران بشناسانم. می‌خواهم همان‌گونه که نشانه‌های خود را در قلب و در دست خویش داریم، خود را با

آنها هویت بخشیم. چنانکه از فرمان "دست‌ها بر بیماران گذاشته و شفا خواهند یافت"^{۲۰} اطاعت می‌کنیم. عطاکن تا هرکس که از این صف عبور می‌کند، نشانه‌ی خویش را ظاهر سازد که آنها روح‌القدس را یافته‌اند، که تولد تازه را یافته‌اند، که با تمام قلبشان به این ایمان دارند. همان‌طور که از این صف عبور می‌کنند، هر بیماری و ضعفی را از جسمشان دور سازند و درشادی و با علم به اینکه ایمانشان این کار را انجام داده است، از اینجا خارج شوند.

۲۰۷. خداوند خدا! همان‌طور که در عهد عتیق دست خود را بر قربانی قرار می‌دادیم تا با آن قربانی شناخته شویم، اکنون دست خویش را بر عیسی مسیح می‌گذاریم تا با او شناخته شویم. اکنون و در این خدمت، دست خود را بر ما نهاده و خود را از طریق آیات و معجزات شناسایی می‌نماید و ما دستان خویش را بر بیماران می‌گذاریم تا خود را با آنها بشناسانیم، با ایمانمان که با آنها مرتبط است. بیماری باید برود، و باشد تا همان‌طور که ما در نام عیسی مسیح برای دریافت آن از اینجا عبور می‌کنیم، این امر محقق گردد. تمام جماعت دعا کنند.

۲۰۸. برادر روی یا یک نفر دیگر پشت این میکروفون بیاید و صف را هدایت کند.

۲۰۹. نگاه کنید، همان‌طور که اکنون از اینجا می‌گذرید، با ایمان و با دعا بیایید. می‌خواهیم بر بیماران دست بگذاریم، مستقیم حرکت کنید. دعا کنید. وقتی از این صف خادمین عبور می‌کنید، اگر عصا یا چوب زیر بغل دارید آن را زمین بگذارید و راه بروید. اگر سرطان یا هر بیماری دیگری دارید بگویید: "دکتر هر کاری که می‌توانست، انجام داد. او تمام تلاشش را انجام داد و گفت که من خواهم مرد. من نمی‌خواهم بمیرم. خداوند! نشانه‌ی من اینجا است. تو این را به من وعده دادی. من از اینجا عبور می‌کنم و

^{۲۰} اشاره به انجیل مرقس باب ۱۶

آن را انجام خواهم داد." می‌بینید؟ این کار را بکنید. این کار را می‌کنید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] در نام عیسی چنین باد. آمین!

۲۱۰. بسیار خوب. افراد را بفرستید. [درحالی که یک برادر صف را هدایت می‌کند و سرود فقط ایمان داشته باش و سرودهای دیگر را می‌خوانند، برادر برانهام و سایر برادران برای بیماران دعا می‌کنند.]

ایمان دارم

تمام شک‌هایم در سرچشمه مدفون گشت

۲۱۱. آیا ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] آمین! او، آیا این فوق العاده نیست؟ ["آمین!"] بعضی از کسانی که عصا داشتند، آنها را گذاشتند و به راه افتادند. اکنون همه می‌توانند شفا یابند. هر آنکس که ایمان داشته باشد. ایمان دارید؟ ["آمین!"]

۲۱۲. سرود دوستش دارم را بنوازید. این کار را می‌کنید خواهر؟ «دوستش دارم» صداها، دست‌ها و قلب‌هایمان را به حضور خدا بلند کنیم و بخوانیم. «دوستش دارم، دوستش دارم، چونکه مرا دوست دارد».

همه با هم:

دوستش دارم، دوستش دارم

چونکه نخست او مرا دوست داشت

و نجات من را بر صلیب جلجتا مهیا نمود

همه باهم او را بستایید!

۲۱۳. خانمی از ویلچر بلند شده و با کمک دونفر راه می‌رود. دست‌هایمان را به حضور

خدا بلند کنیم. «دوستش دارم».

دوستش دارم، دوستش دارم
چونکه نخست او مرا دوست داشت
و نجات من را بر صلیب جلجتا مهیا نمود

۲۱۴. جلال بر خدا! چطور برای نیکویی و حضورت شکرگذار تو باشیم؟ اوه خداوند!
شکرگزار تو هستیم برای نشانه. اکنون نجات یافته و از روح پر گشته‌ایم، اکنون
روح القدس بدن‌های ما را به خروش درآورده است. پدر، چقدر برای این امر شکرگزار
تو هستیم. درنام عیسی شکر می‌کنیم. آمین! آمین!

۲۱۵. همگی دستانتان را برافرازید و بگویید: "جلال بر خدا!" با یکدیگر دست بدهید و
بگویید: "جلال بر خداوند!، جلال بر خداوند!" [برادر برانهام و جمعیت با یکدیگر
دست می‌دهند و می‌گویند: "جلال بر خداوند!"] بسیار خوب. حالا دوباره، همه باهم:

دوستش دارم

(دست‌ها بالا، قلب‌ها برافراشته) من... (با تمام قلب بخوانید)

چونکه نخست او مرا دوست داشت

(می‌خواهید بروید؟)

و نجاتم را بر صلیب جلجتا مهیا نمود

۲۱۶. حال، درحالی که جلسه را برای مرخص نمودن حضار به برادر گرانت تحویل
می‌دهم، سرهایمان را خم کنیم. از همه‌ی شما سپاسگزارم. نخست، خدا را بخاطر
نیکویی و رحمتش شکر می‌کنیم و اطمینانی که امیدوارم در قلبتان گذاشته شده باشد،

که ما اینجا تنها نیستیم. آواز پادشاه در اردوگاه است. خداوندا! تو را برای این قدرت
عظیم و رحمت عظیم شکر می‌کنیم. و حال سرهایمان را خم می‌کنیم.

برادر گران‌ت!

و بعد زمانی که حیات گرفته شد، خون بر روی زمین ریخته شد. درست به همان صورتی که خون هابیل روی زمین ریخته شد. ولی از آن خون روح قدوس خدا برآمد و در روز پنطیکاست بر انسان فرستاده شد، تا با قربانی‌ای که برای آنها مُرد، هویت یابند. در دنیا هیچ راه دیگری وجود ندارد، که به آن برسیم. یک علامت معین!

William Marrion Branham

The Token

Dallas, Texas

64-0308